

## ملاحظات و تصحیحات (۶)

محمد کاظم رحمتی \*

### چکیده

نوشتار حاضر بر اساس نسخه های خطی به پژوهش در تاریخ امامیه پرداخته است. بحث نخست درباره مساهمت عالمان امامیه در سنت فلسفی است. بحث بعدی تاریخ تشیع در بحرین قدیم (احساء؛ قطیف و اوال) را بر اساس شواهد نسخه شناسی، کتیبه شناسی مورد بحث قرار داده است. در بخش اخیر از برخی خاندان های احسائی مهاجر به ایران بحث شده و در ضمن آن از عالم و فقیه کمتر شناخته شده احسائی شیخ عبدالمحسن لویمی (متوفی ۱۲۴۵) که سفرش به ایران به اقامت در شهر سیرجان منتهی شد، به تفصیل سخن رفته است. در ادامه گزارشی کوتاه از اهمیت تحقیقات تاریخ بحرین قدیم در آثار استاد عبدالخالق جنی آمده است. چند مبحث پایانی، یادداشت هایی درباره نگرش عالمان امامی عصر صفویه به حکومت، علت نگارش کتاب تبیین کذب المتفتری ابن عساکر، تحقیقی درباره سید حیدر آملی؛ علامه حلی و کتاب تعبیر الرویا منسوب به ابن سیرین است.

### کلید واژه

بحرین قدیم، عبدالمحسن لویمی، مسجد خمیس، ابن عساکر، سید حیدر آملی، ابن سیرین.



## عالمان امامی و مساهمت در سنت فلسفی

دانسته های ما درباره متون درسی و سنت علمی متداول در جوامع مختلف شیعه پیش از صفویه اندک است، از سوی دیگر متن های متداول درستی نیز در ادوار مختلف یکسان نبوده و برخی متون جایگزین متن های کهنتر یا خوش خوانتر می شده اند.<sup>۱</sup> بر این مسئله باید نوع نگاه و اندیشه تراجم نگاران متاخر شیعه خاصه در دو کتاب امل الآمل و ریاض العلماء را افزود. دو نویسنده کتاب های اخیر تعلق چندانی به میراث فلسفی نداشته اند و از همین رو این بخش از میراث فکری متداول در میان شیعیان بسیار کم رنگ یا بدون اشاره در دو کتاب اخیر منعکس شده است، هر چند افندی به دلیل گرایش به کتابشناسی و نسخه شناسی توجه بیشتری به سنت و آثار فلسفی نشان داده است.

توجه عالمان امامیه به مباحث کلامی و بعدها بحث های فلسفی از همان قرون سوم و چهارم در سنت علمی شیعیان عراق به پیدایش و نگارش میراث مکتوبی انجامید و در ادوار بعدی نیز توجه به فلسفه و منطق بخشی از میراث علمی شیعیان را تشکیل داده است؛ حتی در حوزه مهم حله که فقه محور بوده، میراث فلسفی و منطقی مورد توجه بوده و بخشی از سنت مدرسی فراگیری متون فلسفی و منطقی بوده است. در کتابخانه احمد ثالث به شماره ۵۳/۳۲۳۴ نسخه ای از کتاب الحکمة الجديدة ابن کمونه موجود است که کاتب آن فردی است به نام علی ابن التقی که خود را مؤذن مشهد الحسین معرفی کرده است که به وضوح باید فردی امامی باشد. انجامه نسخه چنین است:

«تمّ الكتاب بحمد الله ومنه وحسن توفيقه وعونه وصلواته على سيدنا محمد وآله واصحابه وافق الفراغ من نسخة اليوم المبارك يوم الجمعة الثامن من شهر جمادى الاولى سنة اثنین وثلاثین وسبع مائة على يد العبد الفقير الذليل الى الله تعالى على ابن التقي المؤذن بمشهد الحسين غفر الله له ولوالديه ولنسخه ولوالديه ولجميع المسلمين آمين».

۱ اشارات مهمی به متون درسی در سنت علمی شیعه در اجازات روایت و اجتهاد می توان یافت. بخش مهمی از اجازات اصلی و مهم سنت شیعه در بخش کتاب الاجازات بحار الانوار تدوین شده است. در میان اجازات مذکور، اجازه علامه به بنوزهره مشتمل بر آگاهی های فراوانی از آثار متداول در سنت مدرسی شیعه است که علامه به دقت ضمن بیان طریق خود در روایت آنها، نام استادانی که متن های مختلف را نزد آنها خوانده را نیز ذکر کرده است.

در حاشیه این نسخه تصریح شده که کاتب نوشته خود را از روی نسخه ای نوشته شده از خط ابن کمونه کتابت و با آن مقابله کرده است (قویل علی نسخه کتبت وقویل علی نسخه کتب من خط المصنف).

ابن کمونه (۶۸۳) کتابی به نام شرح التلویحات / التنقیحات فی شرح التلویحات که شرحی بر تلویحات شهاب الدین سهرودی است، نگاشته است. نسخه کهنی از شرح ابن کمونه در کتابخانه راغب پاشا به شماره ۸۵۲ موجود است که تاریخ فراغت از کتابت آن ۱۷ ربیع الثانی ۷۵۲ است. حواشی بر این نسخه در حاشیه آمده که از عالم نامور امامی نصیر الدین علی بن محمد کاشی (متوفی ۷۵۵) است که زمانی مالک نسخه بوده و حواشی در سراسر نسخه نوشته است.<sup>۱</sup>

حسن بن عبدالکریم فتال نجفی، عالم امامی قرن نهم و کتابدار حرم علوی نیز نسخه ای از شرح حکمة الاشراف قطب الدین محمود شیرازی (متوفی ۷۱۰) را در تملک داشته و آن را در زمانی که جلال الدین دوانی در نجف حضور داشته، نزدش خوانده است. نسخه ای که در اختیار دوانی بوده، کتابت شده توسط رکن الدین محمد بن علی بن محمد جرجانی حلّی غروی - در ۹ محرم ۷۱۸ - پدر بزرگ مادری فاضل مقداد سیوری است.<sup>۲</sup>

### نسخه های خطی منابعی کم توجه برای پژوهش در تاریخ تشیع با تکیه بر بحرین قدیم

توجه به نسخه های خطی برای یافتن اطلاعات در باب خاندان های شیعه مطلبی است که توجهم به آن بر اساس مقاله ای از استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی جلب شد که سالها پیش مقاله ای در باب خاندان فتحان قمی بر اساس مراجعه به نسخه های خطی که به نوعی با افراد این خاندان در ارتباط بوده نگاشته اند؛<sup>۳</sup> موضوعی که درباره برخی از

۱ بنگرید به: زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، فیلسوف یهودی بغداد: ابن کمونه و آثار او، ترجمه جواد قاسمی، ویراسته حمید عطائی نظری (اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۴ش)، ص ۸۵.

۲ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش یکم، ص ۴۵۵-۴۵۹؛ محمد حسین الواعظ النجفی، إجازات الحدیث التي كتبها حکیم الالهی و الفقیه المحدث الشیخ محمد بن علی بن ابی جمهور الأحسانی، ص ۱۳۷-۱۴۰.

۳ سید حسین مدرسی طباطبائی، «خاندان فتحان»، قمیات (مجموعه مقالات درباره قم)، (نیوجرسی: مؤسسه



خاندان‌های شیعی یا برخی شخصیت‌های برجسته امامی می‌تواند به عنوان الگوی مورد توجه قرار گیرد و گردآوری اطلاعاتی از این دست می‌تواند مطالب بسیاری برای پژوهش در اختیار ما قرار دهد. آثار نوشته شده درباره شهرهای نجف و کربلاء در سده اخیر عموماً مشتمل بر تاریخ خاندان‌های شیعی ساکن در این شهر است. کتاب مشهد الإمام أو مدينة النجف از محمد علی جعفر التمیمی (نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۴/۱۹۵۵) و کتاب ماضی النجف و حاضرها از جعفر الشیخ باقر آل محبوبه (بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۶/۱۴۰۶) نمونه‌هایی از این دست کتاب‌ها هستند که اساساً تاریخ خاندان‌های شیعی ساکن در شهر نجف را بیان کرده‌اند. تحقیقات و نوشته‌های بسیار ارزنده استاد ارجمند حجت الاسلام و المسلمین حسین واثقی خاصه کتابهای المدنیات؛ أعلام المجاورین بمكة المعظمة، أعلام المدينة المنورة من بنی شدقم و غیرهم و التراث المکی با توجه به نسخه‌های خطی، تاریخ تشیع در حریمین را مورد تحقیق قرار داده‌اند.

به دلیل نبود منابع تاریخ‌نگاری در باب تشیع در بحرین قدیم، مهمترین منبع برای پژوهش درباره عالمان منطقه مذکور نسخه‌های خطی کتابت شده یا تحت تملک عالمان آن سامان است. اطلاعاتی درباره سفر عالمان احسانی از اواخر قرن نهم به ایران در دست است، هر چند بنظر می‌رسد که سفر به ایران خاصه برای زیارت امام رضا علیه السلام در میان شیعیان بحرین قدیم تداول داشته جز آنکه اطلاعات تاریخی خاصی در این باب در دست نیست. از اواخر قرن نهم به بعد، شواهد تاریخی روشنی درباره سفر عالمان امامی بحرین قدیم به مشهد در دست است که ابن ابی جمهور احسانی یکی از نام‌آورترین آنها می‌باشد.<sup>۱</sup> در

انتشاراتی زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷-۳۶ و تکمله آن مقاله در همان کتاب با عنوان «مدارک نویافته درباره خاندان فتحان»، ص ۳۷-۴۸. توجه به نسخه‌های خطی حتی می‌تواند اطلاعات ما درباره گرایش‌های کلامی و تاریخ‌نگاری برخی خاندان‌های شیعی را افزون‌تر کند. نمونه‌ای از این دست خاندان بنو العود است که نسخه‌ای مشتمل بر مجموعه‌ای از رساله‌های کتابت شده توسط افرادی از این خاندان به تفصیل توسط سید حسین مدرسی طباطبائی و زابینه اشمیتکه مورد بررسی قرار گرفته است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «مفاوضه‌ای در مسأله شیهیت معدوم»، همو، کتابیات (مجموعه مقالات در زمینه کتاب‌شناسی)، (نیوجرسی: انتشارات زاگرس، ۱۳۸۷ش)، ص ۳۹-۷۰؛

Sabineh Schmidtke. "The doctrinal views of the Banu l- Awd (early 8th/14th century): an analysis of Ms Arab. f. 64 (Bodleian Library, Oxford)", in: Le shi isme imamite quarante ans après. Hommage à Etan Kohlberg, Eds. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Meir Bar-Asher, Simon Hopkins. Turnhout: Brepols, 2009, pp. 382-357.

۱ درباره سفرهای عالمان جبل عامل به مشهد نیز اطلاعات اندک است، با این حال چند سفرنامه حج از عالمان عاملی

عصر صفویه، مهاجرت و اقامت عالمان احسائی شتاب بیشتری گرفت. در دو قرن دوازدهم و سیزدهم که عالمان بحرینی برجسته ای در شیراز اقامت گزیده بودند به مهاجرت های علمی بیشتری از عالمان احسائی به ایران منتهی شد، جز آنکه عالمان احسائی تنها برای دوره ای کوتاه و تحصیل علم به ایران آمده و باز به زادگاه خود باز می گشتند که نام شماری از آنها در منابع خاصه کتاب انوار البدرین آمده است.

### لزوم شناسایی میراث بحرین قدیم

از شمار دقیق عالمان و خاندان های احسائی مهاجر به ایران اطلاع چندانی نداریم و این مسئله نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتر می باشد. همچنین باید اشاره کنم که مهاجرت عالمان احسائی، قطیفی و اوالی از همان اوان ظهور صفویه به ایران آغاز شد و نقش مهمی در تثبیت تشیع در ایران ایفا کرده اند، برخلاف تصور رایج که اهمیت مهاجرت این دسته از عالمان امامی را به اواخر دوره صفویه نسبت می دهد. مشکل اصلی باز در نبود اطلاع از شرح حال عالمان مهاجر از بحرین قدیم، در سنت تراجم نگاری امامیه است. به واقع شیخ حر عاملی بر اساس اجازات و نسخه های خطی که در اختیار داشته، به تألیف کتاب امل الآمل اقدام کرده و به همین دلیل شرح حال بسیاری از عالمان بحرین قدیم را که شناخت کمتری نسبت به آنها داشته را در ضمن کتاب خود نیاورده است.

### خاندان ابی منصور جبیلی احسائی ساکن در شیراز

به عنوان مثال خاندانی ناموری به نام آل ابی منصور جبیلی احسائی - اهل روستای جُبیل در شرق شهر هفوف احساء - را می شناسیم که در اواخر قرن دهم به ایران مهاجرت کرده و در

---

از قرن یازدهم در دست است که در آن عالمان عاملی سفر خود به حج و پس از آن سفر به مشاهد مشرفه و مشهد را بیان کرده اند. سفرنامه نخست از مرتضی بن علوان از سادات آل مرتضی است که در ۱۱۲۰-۱۱۲۱ به حج رفته و پس از آن به عراق و ایران سفر کرده است. سفرنامه دیگر نوشته نجیب الدین محمد بن علی عاملی است که در روزگار شاه عباس به حج رفته و زمانی که به اصفهان رسیده شاه عباس قصد رفتن پیاده به مشهد را داشته که نجیب الدین نیز همراه او در این سفر بوده است. سفرنامه ابن علوان منتشر شده (رحلة مرتضی بن علوان إلى الأماكن المقدسة والأحساء والکویت و العراق، دراسة و تحقیق سعید بن عمر آل عمر (دمام: مکتبة المتنبی، ۲۰۰۴/۱۴۲۵) و سفرنامه نجیب الدین عاملی به صورت خطی و در دو نسخه یکی مجلس و دیگری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود است.



شیراز سکونت گزیده است.<sup>۱</sup> اطلاعات ما دربارهٔ این خاندان محدود به نسخه‌های خطی است که آنها کتابت کرده یا در تملک خود داشته‌اند. نخستین فرد شناخته شدهٔ این خاندان سلطان بن صدقة جبیلی است که به تصریح خودش بر نسخه‌ای از کتاب شافیه در علم صرف از تألیفات ابن حاجب، در شیراز سکونت داشته است. او در صفحه عنوان نسخهٔ اخیر نوشته است:

«الخزانة الفقير الحقير المتغرب عن الاوطان سلطان بن صدقة الجبيلي ساكن شیراز حرست عن الزوال».<sup>۲</sup>

در زیر عبارت اخیر مهر او با سجع: «بالمملک الواحد المنان عبده سلطان بن صدقة» نیز بر نسخه آمده است. در صفحهٔ عنوان یادداشت تملک و وقف نسخه نیز آمده که به مرور زمان از بین رفته و به سختی تنها بخشی از آن قابل خواندن است: «..عز الدين مسعود الموسوی .. و ذکور ... و شرط أن لا يكون عند أحد مدة تزيد عن أربعة شهر». فرد اخیر زمانی نسخه را در تملک داشته است: «مالکه عزالدین مسعود الحسینی الموسوی». در صفحهٔ بعدی نسخه باز یادداشت تملک سلطان بن صدقة بر نسخه آمده است: «الخزانة الفقير الحقير سلطان بوجدقة الجبیلی الحسانی». در کنار انجامهٔ کاتب نسخه باز یادداشت کوتاه‌ای از سلطان بن صدقة در خصوص تملک نسخه آمده که چنین است:

«الخزانة الفقير الحقير المقر بالذنب والتقصير عبده العاصي كثير المعاصي، سلطان بن صدقة الجبيلي ساكن شیراز حرست عن الزوال».

۱ دربارهٔ روستای جبیل بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی اقلیم البحرین القديم، ص ۵۴-۵۵.  
 ۲ نسخهٔ شافیه به شماره ۵/ع در کتابخانهٔ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی موجود است. کاتب نسخه ابوعبدالله جعفر بن خضر بن دولت‌شاه قاری است که در پگاه روز جمعه آخر جمادی الاول ۷۹۷ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. (تمت الكتاب وقد فرغ من تحريره وقت الضحی يوم الجمعة سلخ جمادی الاول سنة سبع وتسعين وسبعمائة کتبه العبد الراجي المذنب المحتاج الى رحمة ربه الباري ابوعبدالله جعفر بن خضر بن دولت‌شاه القاري غفر الله له ولوالديه ولین قال آمین). متأسفانه در فهرست نسخه به دقت معرفی نشده و شهرت جبیلی نیز به خطا جیلی آمده است (برای گزارشی از نسخه بنگرید به: فهرست نسخه‌های خطی فارسی و عربی کتابخانهٔ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰ش)، ص ۱۸۲-۱۸۳). جبیل روستای در حدود نه کیلومتری شهر هفوف احساء می‌باشد. توجه به این نسخه را وامدار دوست عزیز استاد محمد علی حرز هستم.

تعبیر «خزانه» نشان از مجموعه قابل توجهی از نسخه‌هایی است که سلطان بن صدقة جبیلی در اختیار داشته و باید انتظار داشت که نام و نشان او را بر نسخه‌های خطی دیگر نیز بیابیم. مشکل این جاست که عموماً اطلاعات از این دست در معرفی نسخه‌ها کمتر مورد توجه فهرست‌نگاران قرار گرفته و چاره‌ای جز مراجعه به نسخه نیست. دانسته است که سلطان بن صدقة دو فرزند به نام‌های محمد و صدقه داشته است. نوه او صدقة بن محمد بن سلطان بن صدقة شخصیتی است که در باب او اطلاعات بیشتری داریم. دوست گرامی عبدالخالق جنبی در بحث از بنوعقیل و عالمان شیعی از این خاندان عریق شیعی بحرین، نوشته‌اند:

«وكان يوجد في القرنين التاسع والعاشر بعض علماء الشيعة البحرانيين ممن ينتسبون إلى عُقيل؛ بل إلى زعمائها الذي كانوا يحكمون البحرين بعيد إسقاطهم للدولة العيونية، ومن هؤلاء العلماء: ابن أبي دُلف وهو الشيخ صدقة بن ناصر بن سلطان بن راشد بن راجح بن أحمد بن محمد بن أحمد بن علي بن رومي بن أبي دلف، هكذا كتب نسبة بخط يده في نسخة مخطوطة لكتاب الروضة البهية في شرح اللعة الدمشقية لزين الدين بن علي العاملي المعروف بالشهيد الثاني؛ كتبها في ربيع الأول من عام ٩٨٩ للهجرة. غير أن المفهرسين لم يتمكنوا من قراءة الاسم الأخير من نسبه، فكتبوه: رومي بن أبي حبيلي والصحيح أنه رومي بن أبي دلف وهذا الجذ ذكره ابن ناظر الجيش في كتابه تثقيف التعريف بالمصطلح الشريف ضمن أمراء البحرين من بني عامر بن عقيل الذين كانوا يفدون على السلطان الناصر محمد بن قلاوون (ح ٧٠٩-٧٤١) في مصر في العقود الأربعة الأولى من القرن الثامن الهجري، فذكر منهم صدقة بن إبراهيم بن أبي دلف ضمن أمراء المرتبة الأولى، ووصفه بأنه كان أمير أمراء عرب البحرين الذين كانوا يفدون معه إلى مصر، وذكر من ضمن هؤلاء الأمراء من أسماء برومي بن أبي دلف ضمن أمراء المرتبة الثانية (لاحظ: أحمد بن علي القلقشندي، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء (القاهرة: المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة والطباعة والنشر، ١٩٦٣م)، ج ٧، ص ٣٩٦-٣٩٧) وهو الجذ الأعلى لصدقة بن ناصر صاحب المخطوطة، ويبدو أنه عم الأمير صدقة بن إبراهيم الذي ذكر أنه كان زعيمهم». عبدالخالق بن عبدالجليل جنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت في إقليم البحرين القديم، ص ٤٩٢-٤٩٣.

نسخه الروضة البهية به شماره ٣٢- ب در دانشکده حقوق دانشگاه تهران است و تملك محمد بن عنایت الله نائینی در شوال ١٠٢٣ بر آن است و توصیفی از آن در فهرست کتابخانه





دانشکده حقوق صفحه ۳۵۹ آمده است. صدقه بن ناصر در انجامة نسخه‌ الروضة البهية که مشتمل بر جلد اول است و در ۲۹ ربیع الاول ۹۸۹ از کتابت آن فراغت حاصل کرده، چنین نوشته است:

«.. كان الفراغ من كتابة هذا الكتاب على يد ولد الشيخ حسن أهل الرميطة، إلا بهذه الأسطر فإن إتمامها كان على يد الفقير الحقير المقر بالذنب والتقصير صدقة بن ناصر بن سلطان بن راشد ابن راجح ابن أحمد ابن علي ابن رومي بن أبي منصور، الجليل أصلاً ومولداً ومنشأً، متعه الله بها، وكان الله له حافظاً وكفياً، رحم الله الناظر إليها والمترحم على كاتبها، وكاتب الأسطر الأخيرة؛ إذا صارت عظامه نخيره، في اليوم التاسع والعشرين من ربیع الأول عام تسع وثمانين وتسعمائة، على يد مالکها، وصلى الله على محمد النبي وآله الطاهرين، وسلم تسليماً كثيراً، برحمتك يا أرحم الراحمين، على الذين لا خوفٌ عليهم ولا هم يحزنون، وصلى الله على محمد وآله وسلم».

چند تملک نیز بر نسخه مشاهده می شود که عبارتند از: «عبده المفتقر إلى ربه الديان صدقة ابن ناصر الدين سلطان؛ عبده الواثق للملك المئان صدقة ابن ناصر الدين سلطان» با مهر بیضوی او که عبارت سبع آن چنین است: «عبده المفتقر إلى المئان صدقة بن ناصر بن سلطان»؛ «من تملکات الفقير الحقير ابن حيدر القاري علي رضا» و یادداشتی دال بر امانت کتاب (أمانة من ميرزا محمد فياض الشيرازي نزد المقر محمد شريف).

اطلاع دیگر مرحوم آقابزرگ درباره صدقه بن ناصر، شرح الفیة ابن عصفور یعنی علی بن موسی بن محمد بن علی حضر می اشبیلی (متوفی ۶۶۹) بر اساس اطلاعی است که در فهرست قدیم آستان قدس (ج ۳، ص ۳۰) آمده که شرحی به نام الفیة ابن عصفور به صدقه بن ناصر نسبت داده است. نسخه اخیر به شماره ۳۸۸۲ کتابخانه آستان قدس همانگونه که مرحوم غلامعلی عرفانیان اشاره کرده اند، نسخه ای از کتاب لب الالباب فی شرح ملحة الاعراب ابومحمد قاسم بن علی بن محمد حریری است و صدقه بن ناصر بن راشد جبیلی کاتب نسخه است، جز آنکه مرحوم عرفانیان شهرت کاتب را حنبلی خوانده اند، که احتمالاً تصحیف جبیلی باشد و همین خطا در قرائت شهرت کاتب به فنخا (ج ۲۷، ص ۲۶۳) نیز راه یافته است. صدقه بن ناصر نسخه لب الالباب را برسم خدمت شیخ یحیی بن محمد مشهور



به ابن المطوع الجبیلی الاحسانی کتابت کرده و تاریخ فراغت از کتابت نسخه نیز آخر شعبان ۱۰۱۶ ذکر شده است.<sup>۱</sup>

دیگر اثر کتابت شده توسط صدقه بن ناصر، نسخه ای از جلد اول کتاب روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان شهید ثانی است که صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن ابی منصور جبیلی از کتابت آن در سال ۱۰۰۱ فراغت حاصل کرده و نسخه اخیر به شماره ۱۰۱ در فهرست نسخه های خطی کتابخانه مؤسسه حضرت آیت الله العظمی بروجردی، نگارش سید احمد حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۶۹-۷۰ معرفی شده است.

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۸۶۹ مجموعه ای موجود است که بخشی از آن را عبدالحسین بن احمد در ۹۹۴ و بخشی دیگر را عبدالله بن مبارک بن احمد بن یحیی ماحوزی در ۹۹۵ کتابت کرده است و شامل کشف البراهین ابن ابی جمهور احسانی و کتاب تسدید العقائد شمس الدین محمود بن عبدالرحمان اصفهانی است. نسخه در تملک صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن احمد بن محمد بن علی بن راجح ابن منصور جبیلی بوده با تاریخ ۹۹۵ بوده است. عبارت تملک صدقه بن ناصر اهمیت خاصی دارد و نشانگر آن است که خانواده او باز به زادگاهشان یعنی جبیل بازگشته اند. صدقه بن ناصر در عبارت تملک خود بر نسخه در پایان رساله کشف البراهین نوشته است:

«من مملکات الفقیر الحقیر المقر بالذنب والتقصیر... الجانی صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن احمد بن محمد بن علی بن راجح ابن ابی منصور الجبیلی اصلاً ومنشأً ومولداً متعه الله به طویلاً وكان الله له حافظاً وكفیلاً... والمعارف له اذا تمکن من رده ولم یرده ورحم الله الناظر فیه والمترحم علی مالکة وصلی الله علی سیدنا محمد وآله... وکتب ما کله هذه الاسطر سنة ۹۹۵ من الهجرة النبویة علی مهاجرها افضل الصلوات».

### نسخه های خطی عالمان بحرینی منبعی برای شناخت آنها

عالمان مهاجر از بحرین قدیم زمانی که در ایران اقامت داشته اند، نسخه های خطی مورد نیاز

۱ بنگرید به: غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد، ۱۳۷۰ش)، ج ۱۲، ص ۳۳۷.





خود را تهیه می کرده اند و از خوش اقبالی بخش مهمی از این نسخه ها اکنون در کتابخانه های مختلف ایران موجود است. بر اساس تملکات و مطالبی که در این نسخه ها آمده، می توان به تحقیق درباره خاندان های مهاجر احسائی، قطیفی و اوالی به ایران پرداخت. مرکزیت علمی یافتن شهرهای چون قزوین و اصفهان در عصر صفویه به مهاجرت عالمان شیعه از بحرین قدیم (احساء، قطیف و اوال) به ایران منجر شده است.

اطلاع درباره این جریان و اهمیت آن بسیار اندک است و منبع اصلی ما برای فهم جریان اخیر، نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان مهاجر بحرینی به ایران است. از این دسته عالمان می توان به محمد بن منصور صائغ احسائی اشاره کرد که در دوران شاه عباس به ایران مهاجرت کرده و در اصفهان سکنی گزیده است. او در دوران اقامتش با عالمان برجسته روزگار خود، چون شیخ بهایی، شیخ لطف الله عاملی و میر داماد ارتباط داشته است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۷۰۷۹ مجموعه ای موجود است که محمد بن منصور در دوران اقامت خود در اصفهان کتابت کرده است. مجموعه اخیر از چند جهات اهمیت دارد، نخست نشان دادن روابط عالمان مهاجر با عالمان برجسته امامی اصفهان است.<sup>۱</sup> او در صفحه عنوان نسخه به آثار کتابت شده در مجموعه خود اشاره کرده و نوشته است:

«فهرست ما فی هذه المجموعة؛ اثنا عشریات ثلاث فی الصلوة والصوم والحج من تصانیف شیخ الإسلام والمسلمین، الشیخ بهاء الملة والدين محمد بن الحسين بن عبدالصمد الحارثي الهمداني العاملي - حفظه الله - منسک الشیخ زین الدین علیه الرحمة؛ منسک الشیخ علی بن عبدالعالی رضوان الله علیه؛ منسک السید حسین بن حسن العاملي؛ مصباح المبتدي لابن فهد رحمه الله». اشاره او به کتابت سه اثر از آثار بسیار مشهور و درسی شیخ بهایی دلالت بر این دارد که محمد بن منصور احسائی در درس شیخ بهایی شرکت داشته و آثار اخیر را به جهت حضور در درس شیخ بهایی کتابت کرده و در سراسر سه کتاب اخیر، حواشی متعددی از حضور

۱ محمد بن منصور احسائی در اصفهان با عالم برجسته عاملی شیخ لطف الله میسی روابط نزدیکی داشت. نسخه ای از کتاب جامع المقاصد محقق کرکی در دست است که در شام شب شنبه ۲۴ ذی القعدة ۱۰۲۳ محمد بن منصور کتابت آن را به جهت کتابخانه شیخ لطف الله عاملی به پایان برده است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، «کتابخانه آیه الله رضوی در کاشان»، نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دفتر هفتم، تهران ۱۳۵۳ش)، ص ۳۳-۳۴.

خود در مجلس شیخ بهایی در نسخه خود ثبت کرده که با عبارت «منه» مورد اشاره قرار گرفته است. نکته دیگر چند یادداشت از محمد بن منصور احسائی بر نسخه است که یکی از آنها تعبیر او از شاه عباس است؛ او در یادداشت تملک خود بر نسخه اشاره ای به شاه عباس کرده و نوشته است:

«کتب هذه المجموعة بيده الفانية المقصر الفقير محمد بن منصور للحسائي في المعمورة اصفهان في زمان الملك العادل، سلالة المختار وحيدر الكرار، الشاه عباس الحسيني أدام الله أيام دولته آمين آمين قريب من المسجد الجامع الكبير سنة الرابعة و العشرين بعد الألف من الهجرة النبوية وصلى الله على محمد وآله».

### عبدالمحسن لويمی احسائی از عالمان گمنام مهاجر به ایران

عالمان منطقه بحرین قدیم از دوره صفویه به بعد همواره به ایران به عنوان سرزمینی امن و مأمنی به هنگام دشواری‌ها نظر داشته و به ایران سفر کرده و گاه ماندگار شده اند. از عالمان احسائی مهاجر به ایران که سفرش به اقامت انجامید، می‌توان به شیخ عبدالمحسن لويمی اشاره کرد. شیخ عبدالمحسن لويمی که در حدود ۱۲۱۷ به ایران مهاجرت کرده، ظاهراً در راه بازگشت به احساء هنگام عبور از شهر سیرجان تصمیم به اقامت در این شهر می‌گیرد و تا آخر عمر در آنجا ماندگار می‌شود. ایشان در محله سعید آباد سیرجان سکنی گزید و مدرسه و مسجدی ساخت که تا به امروز باقی است و قبر شیخ و تعدادی از فرزندان و نوادگانش نیز در همانجا می‌باشد. مجموعه گردآوری شده در باب میراث مکتوب بحرین قدیم، مشتمل بر تعدادی نسخه های خطی از کتابخانه عالم احسائی مهاجر به ایران در قرن سیزدهم، یعنی شیخ عبدالمحسن بن محمد بن مبارک لويمی (متوفی ۱۲۴۵ق) است (من مکتبة اسرة الشيخ عبدالمحسن اللويمی). کتابخانه شیخ عبدالمحسن لويمی و خانواده او که چند نسل در شهر سیرجان از اهل علم بوده اند، توسط یکی از نوادگان آنها به نام عباس محسنی (متوفی ۱۱/ مرداد/ ۱۳۹۵) به کتابخانه ملی منتقل شده و اکنون حدود یکصد و بیست نسخه خطی کتابخانه خاندان لويمی در آنجا نگه داری می‌شود. این مجموعه مشتمل بر برخی آثار شیخ عبدالمحسن لويمی به خط فرزندش شیخ علی لويمی است، که ظاهراً نسخه های این دسته آثار موجود در کتابخانه ملی منحصر به فرد باشد.



شیخ عبدالمحسن لویمی در شهر بطالیا که نام کهن آن البلاد بوده - یکی از شهرهای مهم و کهن احساء - به دنیا آمد. خاندان او از بزرگان، معتمدان و عالمان آن شهر بودند. وی در میانه عمر و در سال ۱۲۱۷ق به ایران سفری داشته است. وی پس از مدتی اقامت در ایران در ایان حکمرانی ابراهیم خان ظهیر الدوله (متوفی ۱۲۴۰ق) که در ۱۲۱۸ق به حکمرانی کرمان منصوب شده بود، به شهر سیرجان وارد شده که به اقامت او در آنجا منتهی شد. میرزا ابوالحسن کلانتری یکی از مؤلفان مجموعه ناصری که پدرش والی سیرجان بوده، در اشاره به شیخ عبدالمحسن لویمی و توجه والی سیرجان به او نوشته است:

«در مدت بیست و دو سال مرحمت شان میرزا حسن خان والد فقیر، حکومت سیرجان را ضمیمه منصب کلانتری کرمان داشت و در این مدت مدید به رعایت و رفاهیت و تحمل مخارج اهل و عیال جناب شیخ در همه جا همت می گماشت، اهل و عیال جناب شیخ را با اهل و عیال خود در یک حجره و یک سفره حاضر ساخته، به ملازمت و مواظبت ایشان، روز به شب و شب به روز می آورد».<sup>۱</sup>

اقامت شیخ عبدالمحسن لویمی در سیرجان و جایگاه بلند او در میان عالمان احسانی باعث شده تا برخی از عالمان احسانی برای تحصیل علم به سیرجان سفر کنند، که از میان این دسته عالمان احسانی که مدتی در سیرجان اقامت داشته اند می باید به شیخ علی بن محمد بن عبدالله رمضان (متوفی ۱۲۶۵) جد خاندان آل رمضان اشاره کرد. شیخ علی رمضان به شهرهای مختلف ایران چون شیراز، کرمان، یزد، نیز سفرهای داشته و در ضمن دیوان خود

۱ بنگرید به: مجید نیک پور، نام آوران علم و اجتهاد کرمان از قاجاریه تا پهلوی (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳ش)، ص ۱۸-۱۹. آقای نیک پور مطالب آمده در مجموعه ناصری در خصوص شیخ عبدالمحسن لویمی و فرزندش شیخ علی لویمی را به نقل از بخش مذکور مجموعه ناصری که تألیف میرزا ابوالحسن کلانتری بوده، به نحو کامل در کتاب خود آورده اند. نسخه خطی هشت جلدی مجموعه ناصری اکنون در کاخ- موزه گلستان به شماره ۸ نگهداری می شود. برای گزارشی از مجموعه ناصری بنگرید به: ایرج افشار، «فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزارت دارایی»، فرهنگ ایران زمین، جلد ششم (تهران، ۱۳۳۷ش)، ص ۵-۳۷. بخشی از مجموعه ناصری در باب جغرافیای کرمان با عنوان جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری تألیف خواجه محمد امین منشی کرمانی توسط مجید نیک پور (تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ش) منتشر شده است. در ضمن کتاب جغرافیای ایالت کرمان، ص ۱۹۶-۱۹۷ نامی از شیخ عبدالمحسن لوصانی آمده که باید مراد همین شیخ عبدالمحسن احسانی لویمی باشد که قرائت عبدالمحسن تصحیف باید تصحیف عبدالمحسن باشد.

نکاتی در باب سفرهای خود به این شهرها آورده است.

شیخ علی رمضان در شهر سیرجان نزد شیخ عبدالمحسن لویمی (متوفی ۱۲۴۵) - در نسبت به قبیله بنو لام - به تحصیل مشغول بوده و روابط گرمی با او و فرزندش یعنی شیخ علی لویمی داشته است. شیخ علی رمضان دیوان شعری بسیار زیبایی دارد که در آن اشعار وی در خصوص ایام اقامت در ایران آمده است.<sup>۱</sup> شیخ علی رمضان در اشاره به ایام اقامت خود در سیرجان گفته است:

ولولا ملاذی بالديار التي بها	إمامي عبدالمحسن العالم الحبر
وفيهما أبنه ذخري على أخو العلا	وطوبى للإنسان على له ذخر
لأصحبت مما قد لقيت من البلا	رميماً وشخصي في الملا ما له ذكر
هما قلدا جيدي عقود صنائع	مرادقة لا يستطيع لها حصر
هما أطعماني البر شهداً وسكراً	فزال به من كربى الضار والصبر
هما فرجا عني الشدائد كلها	بفضلهما والعسر يعقبه اليسر
فلا يرتقي شخص لشيخي وأبنه	إذا عدَّ زيد في المكارم أو عمرو
فأبأهما الرحمن للوجود كعبة	تطوف بها الوقاد ما طلع البدر
وأزكى سلام مسفر النور مشرق	يخصكم مني متى أبتسم الزهر
وأسأل ذا الأفضال والجلود والعطا	سؤال عبيدٍ خاشع مسَّه الضر
بأن يهب المطلوب من جمع شملنا	فأكثر من قولي لك الحمد والشكر

یکی از فرزندان شیخ به نام شیخ محمد بن عبدالمحسن لویمی در احساء ماند و اعقاب شیخ عبدالمحسن در احساء - مشهور به لویمی - از طریق او هستند. شیخ عبدالمحسن لویمی در روز ۲۵ رمضان ۱۲۴۰ در اجازة ای به گروهی از عالمان احسانی که در راه سفر از مشهد الرضا به دیدارش رفته اند، یعنی شیخ سلیمان بن احمد بن حسین آل عبدالجبار

۱ درباره شیخ علی رمضان بنگرید به: علی بلادی، انوار البدرین، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۴۱. دوست و استاد گرامی محمد علی حرز تک نگاری درباره شیخ علی رمضان با عنوان الشاعر علی رمضان طائر الأحساء المهاجر (بیروت: دار البیان العربی، ۱۹۹۳/۱۴۱۴) منتشر کرده است.





(متوفی ۱۲۶۶)،<sup>۱</sup> شیخ علی بن مبارک آل حمیدان خطی جارودی<sup>۲</sup> و فرزندش شیخ علی لویمی<sup>۳</sup> داده، گزارشی از استادان خود آورده و فهرستی از آثار تألیفات خود را برشمرده است. نسخه ای از این اجازه در اختیار علی بن حسن بلادی بحرانی (متوفی ۱۳۴۰) بوده و بخشی از آن در گزارش از تألیفات شیخ عبدالمحسن را در ضمن شرح حال او در کتاب انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الأحساء و البحرین آورده است. همچنین حاج محمد علی بن احمد تاجر بحرانی (متوفی ۱۳۷۸) نسخه ای از اجازه مورد بحث شیخ عبدالمحسن لویمی را در اختیار داشته و بندهایی از آن را در شرح حال عالمان مذکور در کتاب منتظم الدرین آورده است.

شیخ عبدالمحسن لویمی استادان خود در روایت را شیخ حسین آل عصفور و شیخ احمد بن حسن دمستانی بحرانی ذکر کرده و گفته که با شماری از بزرگان عراق عرب و عجم چون سید محمد مهدی بحرالعلوم، سید مهدی شهرستانی، محمد بن علی بن ابراهیم بن عیثان احسانی و دیگران نیز دیدار داشته و از آنها اجازه دریافت کرده است.<sup>۴</sup> متن این اجازه مفصل که متأسفانه تا کنون یافت نشده، مشتمل بر نام شماری از این استادان بوده است. شیخ علی بلادی فهرست آثار شیخ عبدالمحسن را بر اساس اجازه اخیر چنین ذکر کرده است:

«قال رحمه الله تعالى: ومما صنفت: شرح العوامل الجرجانية؛ شرح الرسالة الأجرومية؛ كفاية الطلاب المودعة بدائع علم الإعراب نظماً وشرحاً؛ رسالة في التجويد [للعلم القراءة رسالة مغنية عن جميع ما ذكره علماء التجويد في مؤلفاتهم متفرقاً]؛ التحفة في تعزية أهل العصمة؛ الرسائل الثلاث في الصلاة الصغيرة والوسطى والكبيرة؛ وفاة النبي يحيى عليه السلام؛ وفاة الإمام الكاظم عليه السلام؛ وفاة الإمام الحسن بن علي عليهما السلام؛ جامع الأصول عن أهل الوصول؛ النهج

۱ برای شرح حال شیخ سلیمان آل عبدالجبار بنگرید به: محمد علی بن احمد تاجر بحرانی، منتظم الدرین فی تراجم علماء و أدباء الأحساء و القطیف و البحرین، عنی بتحقیقه ضیاء بدر آل سنبل (بیروت: مؤسسة طيبة لاحیاء التراث، ۱۴۳۰)، ج ۲، ص ۸۶-۸۹.

۲ منتظم الدرین، ج ۳، ص ۱۸۲-۱۸۳ که بندی از اجازه در اشاره به شیخ علی جارودی را نقل کرده است.

۳ منتظم الدرین، ج ۲، ص ۲۲۰. همچنین شرح حال کوتاهی از شیخ علی در منتظم الدرین، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۱ آمده است.

۴ محمد علی تاجر بحرانی، نام این افراد را از متن اجازه شیخ عبدالمحسن لویمی نقل کرده است. بنگرید به: منتظم الدرین، ج ۳، ص ۱۱-۱۲، ۱۷۰-۱۷۱.



القويم والصراط المستقيم أسأل الله تعالى التوفيق لإتمامه برز منه في الأصولين مجلد ومجلد في الصلاة؛ رسالتان في معرفة أحوال الرجال الذين لم يعرف لهم حال»<sup>۱</sup>.

بخش پایانی اجازة اخير، چهل حدیث همراه با شرح آنها در اصول عقاید و فقه بوده است.<sup>۲</sup> شیخ علی بلادی اشاره کرده که او درباره شیخ عبدالمحسن جز اجازة اخير اطلاع دیگری در دست نداشته است. کتابخانه لویمی یکی از معدود کتابخانه های خانواده ای احسانی است که تقریباً به نحو کامل باقی مانده و میراث علمی چند نسل از یک خاندان می باشد.<sup>۳</sup> بخش دیگری از آثار گردآوری شده در باب میراث ادبی بحرین قدیم با عنوان «من التراث الأدبی الخالد» است. دو مجموعه ادبی مشتمل بر اشعار شاعران اوالی همراه با کهنترین نسخه خطی دیوان ابن مقرب عیونی آثاری هستند که در این بخش قرار دارند. دیوان ابن مقرب عیونی منبعی مهم برای تاریخ دولت عیونین است، که اطلاعات مهمی در ضمن دیوان خاصه در قصیده میمیه ای که ابن مقرب در آن به ذکر اجداد خود پرداخته آمده است.

### شواهد کتیبه شناسی و اهمیت آنها برای مطالعه تاریخ اوال

در کنار اطلاعات ابن مقرب، شماری سکه و برخی شواهد باستان شناسانه، تنها دانسته های ما درباره امارت محلی عیونین است که از میان تحقیقات انجام شده، مقالات و تک نگاری

۱ علی بن حسن بلادی بحرانی، أنوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الأحساء و البحرین، تحقیق عبدالکریم محمد علی بلادی (بیروت: مؤسسة الهدایة، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۳، ص ۸۵-۸۶؛ محمد علی تاجر بحرانی، منتظم الدرین، ج ۳، ص ۱۲. بلادی در اشاره به بخش کهن اوال (بحرین کنونی) یعنی البلاد القدیمة است. شیخ عبدالمحسن علاوه به عالمان احسانی که به دیدارش آمده بودند، در اجازة اخير شماری از شاگردانش چون شیخ احمد بن محمد بن مال الله خطی، عبدالحسین بن ناصر قاری احسانی و محمد بن مشاری جفری را نیز در ضمن مجازین ذکر کرده است. محمد علی تاجر بحرانی بندی از اجازة که نام این افراد به همراه شیخ علی بن عبدالمحسن لویمی آمده را نقل کرده است. بنگرید به: منتظم الدرین، ج ۲، ص ۲۲۰. اجازة اخير تنها اجازة روایت نبوده است بلکه اجازة اجتهاد بوده و عبدالمحسن افراد مذکور را به عنوان افرادی مجتهد مورد خطاب قرار داده است (و الولد السار الباز، مهجة القلب وقررة العین، علی بن عبدالمحسن أحسن الله له الحال - بمحمد وال، وأفادوا أكثر مما استفادوا بحیث ظهر جدهم واجتهادهم، وقابلیتهم واستعدادهم، وإعراضهم عن مزخرفات الأهواء وتمسکهم بالسبب الأقوی، وأهلیتهم لنقل الحدیث وروایتہ بل نقده ودرایتہ ...).

۲ «قلت: وله الإجازة الكبيرة التي ذكرناها وختمها بأربعين حديثاً بدأ فيها بالأصول الخمسة أولاً ثم الطهارة ثم الصلاة ثم الزكاة وهكذا على ترتيب الفقهاء وشرحها شرحاً جيداً منقحاً ولم أقف على غيرها». أنوار البدرین، ج ۳، ص ۸۶. ۳ برای شرح حال شیخ عبدالمحسن لویمی همچنین بنگرید به: محمد علی تاجر بحرانی، منتظم الدرین، ج ۳، ص ۱۰-۱۳.

لودیک کالوس درباره کتیبه های یافت شده در اوایل به نحو عام و مقاله مونیک کرووران<sup>۱</sup> درباره مسجد خمیس بحرین، در پرتوی کتیبه های یافته شده از مسجد اهمیت فراوانی دارد، جز آنکه بدون دلیل روشنی کرووران از پیشینه مسجد به عنوان بنای ساخته شده در دوران امویان و به نحو مشخص عمر بن عبدالعزیز سخن گفته است. کرووران به گفته های مقریزی و ابن دقماق اشاره کرده که نصب محراب به عنوان بخشی در مسجد، از روزگار عمر بن عبدالعزیز تداول یافته و چون مسجد دارای محراب است، می توان زمان ساخت آن را به روزگار خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز دانست. این مطلب با دانسته هایی که در خصوص سیاست قرامطه در نابودی مساجد دانسته است، سازگاری ندارد.<sup>۲</sup> کرووران<sup>۳</sup> بسیار مجمل تنها اشاره کرده که کتیبه های یافت شده شهادت شیعی دارند و تصاویر آنها را نیز در ضمن مقاله آورده است.<sup>۴</sup> کتیبه یافت شده در منازة غربی که در ایام امارت ابوسنان محمد بن فضل بن عبدالله بن علی عیونی در جریان توسعه مسجد نصب شده، نام دوازده امام را دارد. متن کتیبه چنین خوانده شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا إله إلا الله محمد رسول الله / علی ولی الله هذا من فضل ربی لیبیلونی  
 أشکر أم أكفر مما أمر ببناءه / معالی بن الحسن بن علی بن حماد العبد المطیع الفقیر إلى الله سبحانه  
 / محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و علی و محمد و جعفر و موسی / و علی و محمد و علی و  
 الحسن و الحجة القائم صلی الله علیهم إلى یوم / الدین الخالق؟ له فی أيام الملك العادل المؤمن بالله  
 محمد بن الفضل بن عبدالله / ... المنارة»<sup>۵</sup>

کرووران مطالب متعدد آمده در شرح دیوان ابن مقرب در خصوص آنکه قرامطه در تمام

1 Monik Kervran "La mosquée al-Khamis à Bahrain: son histoire et ses inscriptions" Archeologie Islamique (1990) pp.52-7.

2 Monik Kervran, "La mosquée al-Khamis", pp.۳-۳۵

3 Kervran, p.31.

4 Kervran, pp.38, 32.

۵ بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۶۳۱. کالوس متن عربی کتیبه را در ضمن کتاب خود درباره کتیبه های یافت شده در بحرین آورده، جز آنکه متن عربی او متأسفانه نادرست و بسیار مشوش است و سواى خطا در چاپ که نام نیمى از ائمه شیعه حذف شده و سطرى دو بار تکرار شده، قرائت برخى کلمات نیز نادرست آمده است. بنگرید به:

Ludvik Kalus. Inscriptions arabes des îles de Bahrain: Contribution à l'histoire de Bahrain entre les XIe et XVIIe siècles (Ve-Xie de l'Hégire).(Geuthner, Paris, 1990), p.18.



دوران حکومت خود مساجد بحرین قدیم را ویران کرده و اجازه ساخت مسجد را در قلمرو خود نمی داده اند را نادیده گرفته است. ویران کردن مساجد مورد اشاره خود حاکمان قرمطی نیز قرار گرفته است. بر اساس گزارش های آمده در شرح دیوان ابن مقرب می دانیم که تنها در اواخر دوران حکومت قرامطه یعنی حوالی سالهای ۴۵۰ بود که گروهی از شیعیان امامی اوایل با دادن رشوه سنگینی به والی اوایل و پس از اخذ رخصت از حاکم قرمطی احساء، توانستند مسجدی در اوایل بنا کنند که به ظاهراً همین مسجد موجود در بخش خمیس بلاد القدیمه باشد که بعدها امیر عیونی آن را توسعه داده است. دیوان ابن مقرب بارها به چاپ رسیده، اما بهترین تصحیح و تحقیق کتاب، به کوشش استاد ارجمند عبدالخالق جنبی منتشر شده است. دیوان ابن مقرب همراه با شرحی کهن از روزگار خود ابن مقرب است که ملحقاتی نیز به آن افزوده شده که جملگی در تصحیح کتاب توسط استاد عبدالخالق با توضیحات کافی منتشر شده است.

منابع و مطالعات انجام شده درباره آثار تاریخی بحرین بر اساس کتیبه های فراوان خاصه از مسجد خمیس، مسجد جماله و دیگر مناطق بحرین، موضوع پژوهش های متعددی بوده که از میان آنها تحقیقات لودویک کالوس<sup>۱</sup> اهمیت فراوانی دارد. کتیبه های یافت شده برای شناخت قدمت مساجد و یا افرادی که در توسعه و تعمیر آنها کوشیده اند، بسیار سودمند است. کتیبه ای کهن از قرن نهم در مسجد جماله یافت شده که بر روی آن چنین نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر واقام الصلوة واتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين؛ امر بانشاء هذا الرواق المبارك وبتجديد هذا المسجد الشريف العبد الفقير إلى الله عبدالعزيز بن علي بن عبدالعزيز تقريباً إلى الله تعالى في تاريخ شهر الله الاعظم رمضان سنة سبع وثمانين وثمانمئة وصلى الله على محمد وآله»<sup>۲</sup>.

1 Ludvik Kalus.

2 Ludvik Kalus. "Nouvelles inscriptions arabes de Baahrain", Archéologie islamiques. 1995) 5), pp.142-141.

در کتیبه ای دیگر که در مسجد جماله یافت شده، نام دوازده امام آمده است. بنگرید به:



در کنار مسجد الخمیس قبرستان بسیار کهنی وجود دارد که مدفن بسیاری از بزرگان و عالمان آن دیار است. به عنوان مثال عبدالله بن صالح سماهیجی در ضمن شرح حال شیخ محمد بن ماجد ماحوزی (متوفی ۱۱۱۵) به دفن او در قبرستان کنار مسجد خمیس اشاره کرده و نوشته است:

«..وقبر في مقبرة المشهد، وهو المسجد الجامع ذو المنارتين بالبلاد القديم، وبنى علی قبرة قبة وهو بالجانب الشرقي من المسجد المذكور...»<sup>۱</sup>

در قبرستان مذکور سنگ قبرهای کهنی یافت شده که در میان اهل بحرین به ساجات مشهور است. برخی از روستاهای اوایل تشکیل شده از بخش های نزدیک به هم بوده که اکنون در اثر توسعه روستاها حالت یکپارچگی یافته اند، روستای مائنا که روستای سید هاشم بحرانی بوده و اکنون بخشی از روستای بزرگتر توبلی است. در کنار برخی مساجد روستاهای بحرین، مدفن عالمانی که در آن روستاها زندگی می کرده اند، موجود است که در پی گسترش بنای مسجد در گذر زمان، قبر این عالمان امروز به داخل مسجد منتقل شده است. بخشی از قبرستان مائنی<sup>۲</sup> که مدفن سید هاشم بحرانی بوده اکنون توسعه یافته و به داخل مسجد منتقل شده است. در مسجد روستای مائنا همچنین قبر سید محمد قارونی (متوفی هشتم ذی الحجة ۱۰۹۳) قرار دارد که آن نیز اکنون به دلیل توسعه مسجد، به داخل مسجد منتقل شده و جزئی از مسجد است (دو رواق در دو طرف مسجد).

Ludvik Kalus. Inscriptions arabes des îles de Bahrain. p.68-67.

از دو دوست گرامی کیومرث قرقلو و یوسف اونال که نویسنده را در دسترسی به مقالات و کتاب کالوس یاری کرده، لازم است تا سپاس فراوان خود را بیان کنم

۱ عبدالله بن صالح سماهیجی، الاجازة الكبيرة، ص ۱۱۵-۱۱۶. در متن فرمانی به تاریخ شعبان ۹۹۰ در باب بخشودگی مالیات از موقوفات متعلق به مسجد خمیس از مسجد با تعبیر «المشهد الشريف ذي المنارتين الكائن ببلد اوال» یاد شده است. بنگرید به:

32.Ludvik Kalus. Inscriptions arabes des îles de Bahrain. p

۲ عبدالله بن صالح سماهیجی (متوفی ۱۱۳۵) به دفن سید هاشم بحرانی در قبرستان مائنی اشاره کرده است (بنگرید به: الاجازة الكبيرة الى الشيخ ناصر الجارودي القطيفي، تحقيق مهدى عوازم قطيفي (قم، ۱۴۱۹)، ص ۱۱۶). نام قبرستان در متن منتشر شده انوار البدرين، ج ۱، ص ۲۹۳، ۳۵۵ به ماتنا و ماتنی تصحیف شده است. با تشکر از دوست عزیز اسماعیل گلداری که نام درست این کلمه را متذکر شدند.

توجه به مساجد کهن در بحرین در آغاز قرن بیستم مورد توجه شماری از محققان قرار گرفت. ارنست دیتس نخستین مقاله مهم درباره کتیبه های مسجد خمیس را منتشر کرد و باعث شد تا این موضوع مورد توجه دیگر محققان نیز قرار گیرد. با وجود ارزشمندی تحقیقات انجام شده در خصوص کتیبه های بدست آمده از مناطق مختلف جزیره اوال، مشکل جدی در خصوص این دسته از تحقیقات وجود دارد و آن مشکلات ناشی از بدخوانی برخی کلمات کتیبه ها و آسیب فراوان وارد شده به کتیبه هاست که قرائت آنها را گاه غیر ممکن یا سخت کرده است. با این حال این دسته از منابع اهمیت فراوانی دارند.

### نکاتی در باب اهمیت تحقیقات استاد عبدالخالق جنبی در تاریخ بحرین قدیم

مجموعه مقالات حاضر را به استاد ارجمند عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی تقدیم می کنم که تلاش های مهمی در معرفی تاریخ بحرین قدیم انجام داده و مقالات و کتابهای ارزشمندی را منتشر کرده اند که اشاره ای کوتاه به نام آنها در این مختصر خالی از لطف نخواهد بود؛ کتاب تاریخ الشیع لأهل البیت فی إقليم البحرين القديم (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۱۵/۱۴۳۶) تحقیقی ارزشمند درباره نواحی و شهرهای شیعه نشین در بحرین قدیم، همراه با بحث گسترده ای از تاریخ تشیع در منطقه مذکور خاصه اهمیت قبیله عبدالقیس در تثبیت تشیع در بحرین قدیم است. استاد جنبی بحث از تاریخ تشیع در بحرین قدیم را تا دوران تسلط عثمانی بر منطقه ادامه داده و بر اساس اسناد و مدارک دست اول، نکات بدیعی از تاریخ تشیع در این منطقه را بیان کرده است. استاد عبدالخالق جنبی با تبحری چشمگیر تمام متون ادبی، تاریخی، جغرافیایی، اسناد آرشیوهای عثمانی را مورد بررسی قرار داده و شواهد متعدد تشیع در بحرین قدیم را به دقت مورد بررسی قرار داده اند.

در تکمیل مباحث کتاب تاریخ الشیع، ایشان در تحقیقی دیگر به نام جوائی: تاریخ الصمود (بیروت: ملتقى الواحیتین، ۲۰۱۲/۱۴۳۳) به بحث درباره مسجد کهن جوائی پرداخته اند. مسجد جوائی یکی از کهنترین مساجد احساء از صدر اسلام تا کنون است. جوائی در شش کیلومتری جبل قاره منطقه احساء قرار دارد. مسجد جوائی مورد اهتمام عبدالقیس و مایه مباحث آنها بوده است. شاعر نامور عبدی، بشر بن منقذ مشهور به اعور سنی<sup>۱</sup> - از اصحاب

۱ برای شرح احوال او و برخی اشعارش خاصه در جنگ جمل و صفین بنگرید به: عبدالله بن مسلم مشهور به ابن قتیبه،



امیر المؤمنین علیه السلام - در افتخار به مسجد جوائی، به ماجرای رده اشاره کرده و از باقی ماندن قبیله عبدالقیس بر اسلام و نپیوستن آنها به رده سخن گفته و با افتخار به چنین امری گفته است:

والمسجدُ الثالثُ الشرقي كان لنا  
والمِنْبِرانِ وَفَصْلُ الْقَوْلِ فِي الْخُطْبِ  
إيامَ لا مَنبِرٌ للناسِ نَعْرِفُهُ إلا  
بَطَيْبَةٍ وَالمَحْجُوبِ ذِي الْحُجْبِ<sup>۱</sup>

ایشان در تک نگاری با عنوان قبر الآجام (بیروت: دار المحجبة البيضاء، ۲۰۰۹/۱۴۳۰) به بحث از قبری کهن در واحه آجام واقع در قطیف پرداخته اند. اعور شنی از شاعران برجسته عبدی است که قصاید و اشعار مهمی در دفاع از اهل بیت (ع) خاصه در دو نبرد جمل و صفین سرورده و نصر بن مزاحم منقری بخش های مهمی از اشعار سروده شده او در ضمن نبرد صفین را در ضمن کتابش نقل کرده است. از جمله سروده های اعور شنی، قصیده ای پس از مرگ عثمان است که بنده هایی از آن را نصر بن مزاحم منقری در وقعة الصفین، بلاذری در انساب الاشراف و یاقوت حموی در ذیل ماده دومة الجندل نقل کرده اند.<sup>۲</sup>

الشعر و الشعراء أو طبقات الشعراء، حققه و ضبط نصه مفید قمیحة (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۵/۱۴۰۵)، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمود فردوس عظم (دمشق: دار الیقظة العربیة، ۱۹۹۶)، ج ۲، ص ۱۲۰، ۱۷۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۰، ص ۳۱۱-۳۱۲ نام او را بشیر آورده اما بشر صحیح می باشد؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۸-۴۸۹، ج ۳، ص ۲۲۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۲۴۸؛ ج ۸، ص ۶۸-۶۹، ۱۰۰.

۱ یحیی بن شرف نووی، شرح صحیح مسلم (بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۸۷)، ج ۱، ص ۲۰۲. انور محمد عبداللطیف عرفج در کتاب المدارس الشرعیة و المساجد الأثریة فی الإحساء (احساء، ۱۴۳۲)، ص ۱۰۲ شعر اعور شنی را به شکلی نادرست و با جابجایی مصرع ها نقل کرده است. خواجه رشید الدین فضل الله در سخن از جریان رده، اشاره کرده در زمان رده، تنها سه مسجد در شبه جزیره بوده که در آنها نماز اقامه می شده که یکی از آنها مسجد بحرین یعنی همین مسجد جوائی بوده است. بنگرید به: رشید الدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرسی زنجانی (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ش)، ص ۱.

۲ استاد بزرگوار عبدالخالق جنبی این مطلب را متذکر شده و درباره قصیده اعور شنی در خصوص عثمان نوشتند: «قصیده الأعور الشنی لم تصلنا كاملة لأن دیوانه مفقود للأسف. ولكن توجد أبيات منها ذكرها نصر بن مزاحم في كتابه وقعة الصفین، وذكر البلاذري في أنساب الأشراف جزء آخر. وذكر ياقوت الحموي جزءاً منها في رسم دومة الجندل». بلاذری سه بیت از قصیده اعور شنی را چنین نقل کرده است:

«بَكَتْ عَيْنٌ مِنْ يَبِيكِي ابْنَ عَفَانَ بَعْدَمَا  
نَفَى وَرَقَّ الْفُرْقَانِ كُلَّ مَكَانٍ  
تَوَى تَارِكًا لِلْحَقِّ مُتَّبِعَ الْهَوَى  
أُورَتْ حَرْبًا حَشَّهَا بَطْعَانُ  
بَرَّئْتُ إِلَى الرَّحْمَنِ مِنْ دِينِ نَعْتَلٍ  
وَدِينِ ابْنِ صَخْرٍ أَيُّهَا الرَّجُلَانِ».

تحقیق و نوشته بسیار مهم استاد جنبی، تصحیح و تحقیق دیوان ابن مقرب عیونی و شرح کهن آن است که منبعی عمدتاً منحصر به فرد در شناخت تاریخ بحرین قدیم است. مرتبط با تحقیق دیوان ابن مقرب، ایشان به نگارش دو کتاب دیگر یعنی *الديوان المصور لشعر علي بن المقرب* (بیروت: ملتقى الواحيتين، ۲۰۱۲/۱۴۳۳) و *هجر و قصباتها الثلاث (المُسَقَّرُ، الصَّفَا، الشَّبَعَان)* و *نهرها مُحَلَّم* (بیروت: ملتقى الواحيتين، ۲۰۱۲ / ۱۴۳۳) پرداخته اند که حاصل پژوهش های میدانی و کتابخانه ای توسط ایشان در بازشناسی مناطق تاریخی بحرین قدیم و مورد اشاره در دیوان ابن مقرب عیونی است.

شماری از مقالات و تحقیقات استاد جنبی در ضمن کتاب *بحوث تاريخية و جغرافية ذات علاقة بشرق الجزيرة العربية* (بیروت: ملتقى الواحيتين، ۲۰۱۵/۱۴۳۶) منتشر شده است. مقالات کتاب اخیر ایشان تصحیح اثر بسیار مهم شریف اخو محسن را به پایان برده اند. تاریخ شریف اخو محسن اثری ارزشمند و مهم در شناخت تاریخ اسماعیلیه می باشد و در دو مجلد با عنوان *المحفوظ من تاريخ الشريف أخی محسن في نسب مؤسسی الدولة الفاطمية* و *بدء الدعوة الإسماعيلية و أخبار الدعاة و القرامطة* (بیروت: منشورات ملتقى الواحيتين، ۱۴۳۹) منتشر خواهد شد.

### عالمان امامی و تلقی آنها از صفویه بر اساس یادداشت های آثار خطی

به واقع در تصور عموم و بیشتر عالمان امامی عصر صفویه، دولت صفویه حکومت مورد اشاره در برخی از احادیث بود که پیش از ظهور امام عصر (عج) تشکیل می شود و زمینه را برای حضرت و تشکیل حکومت ایشان فراهم می کند. این تصور را می توان به شکل های مختلفی در آثار عالمان عصر صفوی دید. به عنوان مثال آقا جمال خوانساری در آخر وقف نامه ای که نگاشته و اینک به شماره ۴۹۵۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، نوشته است:

بنگريد به: احمد بن يحيى بلاذري، أنساب الأشراف، تحقيق و فهرسة محمود فردوس عظم (دمشق: دار اليقظة العربية، ۱۹۹۹)، ج ۵، ص ۲۵۰-۲۵۱. همانگونه که استاد محترم عبدالخالق جنبی اشاره کرده اند، یاقوت شکل کاملتری از قصیده اخیر را در ذیل *دومة الجندل* (معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۸-۴۸۹) آورده است.





«وكتب الداعي لدوام الدولة الابدية القاهرة ابن حسين جمال الدين محمد الخوانساري اوتيا كتابهما يميننا وحوسبا حساباً يسيراً وكان ذلك في شهر ربيع الاول من شهر ثلاث عشر ومائة بعد الألف ۱۱۱۳»<sup>۱</sup>.

در دیگر وقف نامه های که آقا جمال در باب کتابهای وقف شده توسط شاه سلطان حسین صفوی نوشته، همین تعبیر آمده می توان به حاشیه شرح جمع الجوامع کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۸۵۶ اشاره کرد. مرحوم محمد باقر مجلسی نیز در وقف نامه ترجمه چهل حدیث که شاه سلطان حسین صفوی در ۱۱۱۰ وقف کرده و اینکه در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۵۷ موجود است، نوشته خود را چنین به پایان برده است:

«وكتب الداعي لدوام الدولة القاهرة البهية الحسينية...».

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه ای از کتاب تهذیب الاحکام به شماره ۱۶۷۸۲ موجود است که در تملک یکی از عالمان عاملی بوده و او نیز تعبیری مشابه درباره صفویه به کار برده و نوشته است:

«هو؛ من عواري الزمان قد انتقل الي بالبيع الشرعي في اسعد الساعات والاولان وانا الداعي لخلود الدولة القاهرة ابن حسن بن حسين العاملي...»<sup>۲</sup>.

در یادداشت های دال بر وقف نسخه ای از کتاب جبل المتین شیخ بهایی؛ دعائم الاسلام قاضی نعمان و شماری دیگر از آثار کتابت شده از درآمد حمام نقش جهان، مرحوم مجلسی در آخر وقف نامه نوشته است:

«وكتب الداعي لخلود الدولة القاهرة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي...»<sup>۳</sup>.

### ابن عساکر و علت نگارش کتاب تبیین کذب المفتری

عصر سلجوقی تنش های مذهبی با شدت و تندگی فراوانی رواج داشت؛ ترکان سلجوقی در بدو ورود خود به نیشابور یعنی ۴۲۹ ق آتش فتنه ای سخت میان شافعیان و حنفیان را افروختند

۱ برای تصویر برگ مجموعه ۴۹۵۴ که در آن وقف نامه نوشته شده توسط آقا جمال خوانساری آمده بنگرید به: رسول جعفریان و رسول جزینی، وقف نامه های کتاب صفوی، ص ۱۲۴.

۲ برای تصاویر نسخه های مورد اشاره بنگرید به: جعفریان و جزینی، همان، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۲۰۰.

۳ بنگرید به: رسول جعفریان و رسول جزینی، ص ۳۲۵-۳۳۵، ۳۳۷-۳۴۵. آقا جمال خوانساری نیز بر چند نسخه وقفی حاصل از درآمد حمام نقش جهان نوشته است: «وانا الداعي لدوام الدولة القاهرة...». رسول جعفریان و رسول جزینی، ص ۳۴۶-۳۴۷.

که نتیجه آن لعن علنی ابوالحسن اشعری و سختگیری فراوان بر عالمان شافعی اشعری شد که در تاریخ به فتنه نیشابور مشهور است و تا سالهای بعد یعنی ۴۵۰ به طول انجامید. بولیت بحثی درباره فتنه نیشابور آورده، با این حال تصویر روشنی از ریشه های تاریخی مجادلات میان حنفیان / اهل رای و شافعیان / اهل حدیث نداشته که در برخی داوری های او تاثیر نهاده و باعث شده تا خاستگاه های کلامی مجادلات میان دو گروه را درک نکرده و در پی تحلیل دلایل نزاع به اساس علل اقتصادی باشد؛ درست است که بزرگان و اعیان شافعی که برخی از آنها چون خاندان میکائیلیان یا قشیریان اعقاب دهقانان عصر ساسانی و زمینداران بزرگ بودند، اما عالمان حنفی نیز به دلیل روابط بسیار نزدیک با حکومت غزنوی در رده های بالای دیوانسالاری، دست کم نظام قضائی قرار داشتند و تفاوت چندانی میان دو گروه از حیث قدرت اقتصادی نبوده است.<sup>۱</sup>

شرح حال این حادثه را بیش از همه با ذکر جزئیات عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی ۵۲۹) تاریخ نگار شافعی مذهب نیشابور در کتاب السیاق لتاریخ نیشابور آورده و به عالمان حنفی که سیاست های مذهبی جدید در سختگیری بر شافعیان اشعری را دنبال می کرده اند، اشاره کرده و از آنها خاصه فقیه حنفی ابوالحسن علی بن حسن صندلی (متوفی ۴۸۴) که نقش برجسته ای در لعن اشاعره داشته، نام برده است.<sup>۲</sup> فارسی در عبارتی کوتاه در ضمن شرح حال ابوسهل محمد بن هبة الله بسطامی خلاصه ای کوتاه از ماجرای فتنه لعن ابوالحسن اشعری و شافعیان خراسان را آورده و در فرازی می نویسد:

«..ونبع من الحنفية طائفة شربوا في قلوبهم الاعتزال والتشيع، فحيلوا إلى ولي الأمر الإيزاء بمذهب الشافعي عموماً وتخصيص الأشعرية حتى أدى الأمر إلى توظيف اللعنة عليهم في الجمع، وامتد الأمر إلى تعميم الطوائف باللعن في الخطب واستعل أولئك في المجمع...»<sup>۳</sup>

۱ بنگرید به: ریچارد بولیت، اعیان نیشابور، ترجمه و تحقیق هادی بکانیان و حمید رضا ثنائی (مشهد: انتشارات مرندیز، ۱۳۹۵ش)، ص ۵۷-۷۷.

۲ بنگرید به: عبدالغافر بن اسماعیل فارسی، المنتخب من السیاق، حقه و علق علیه محمد کاظم محمودی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۱۴۳۳ش)، ص ۷۶-۷۹، ۳۰۳-۳۰۸، ۵۱۲-۵۱۸، ۵۲۹، ۶۳۹-۶۴۰.

۳ عبدالغافر بن اسماعیل فارسی، المنتخب من السیاق، ص ۷۷. شیعیان نیشابور نقشی در این مسئله نداشتند و



نکته دیگر قابل اشاره این است که متن اصلی کتاب السياق باقی نمانده و آنچه اکنون از متن اصلی در اختیار ما قرار دارد، منتخب و تلخیصی از اصل کتاب است. نسخه اصل کتاب السياق در اختیار سبکی بوده، از این رو مقایسه متن مطالب نقل شده در دو تحریر موجود از کتاب السياق با آنچه سبکی آورده گاه مهم و جالب است. کما اینکه عبارت عبدالغافر بن اسماعیل فارسی در نقل سبکی به شکل کاملتری چنین آمده است:

«... و صارت الأشعرية مقصودين بالإهانة، والمنع عن الوعظ والتدريس، وعزلوا من خطابة الجامع، وتبع من الحنفية طائفة أشربوا في قلوبهم الاعتزال والتشيع، فحِيلوا إلى ولي الأمر الإيزاء بمذهب الشافعي عموماً وبالأشعرية خصوصاً.

وهذه هي الفتنة التي طار شررها وطال ضررها وعظم خطبها وقام في سبب أهل السنة خطيبها، فإن هذا الأمر أدى إلى التصريح بلعن أهل السنة في الجمع وتوظيف سبهم على المنابر وصار لأبي الحسن الأشعري بها أسوة بعلي بن أبي طالب رضي الله عنه واستعلى أولئك في الجامع..»<sup>۱</sup>

سبکی در اشاره به سبب ابوالحسن اشعری بر منابر خراسان نوشته است:

«..أدى هذا الأمر إلى التصريح بلعن أهل السنة في الجمع وتوظيف سبهم على المنابر، وصار لأبي الحسن كرم الله وجهه بها أسوة لعلي بن أبي طالب كرم الله وجهه في زمن بعض بني أمية، حيث استولت النواصب على المناصب واستعلى أولئك السفهاء في الجامع والمراتب».<sup>۲</sup>

تاج الدین سبکی اطلاعات تکمیلی درباره حادثه لعن ابوالحسن اشعری و دشواری های عالمان شافعی خراسان در عصر نخست سلجوقی به نقل از منابع و مصادری که در اختیار داشته، در کتاب طبقات الشافعية الكبرى خود آورده است.<sup>۳</sup> با این حال شاهد فعالیت های

فارسی تنها سعی دارد تا با نسبت نادرست دادن به حنفیان که آنها را معتزلی و شیعی مسلک معرفی کرده، به نوعی افراد مذکور را متبذع معرفی کند. برای بررسی ماجرای فتنه نیشابور و ریشه های نزاع میان حنفیان و شافعیان در عصر سلجوقی بنگرید به: ویلفرد مادلونگ، «ترکها و اشاعه ماتریدیه»، همو، مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، ترجمه جواد قاسمی (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷ش)، ص ۳۵-۱۱۰.

۱ طبقات الشافعية الكبرى، ج ۴، ص ۲۰۶.  
 ۲ طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۳۹۱. نیز طبقات الشافعية الكبرى، ج ۴، ص ۲۰۹ که همین عبارت را بار دیگر نقل کرده است.

۳ تاج الدین عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق محمود محمد طناحی و عبدالفتاح محمد حلو (قاهره: ۱۳۸۴/۱۹۶۵)، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۶، ۳۸۹-۴۲۳.



قابل توجه عالمان امامی در این دوره هستیم که در ادوار با ثبات تر این دوران نسبتاً بلند خاصه روزگاری که دولتمردان شیعی به دستگاه اداری سلجوقیان راه یافته بودند، این امکان را یافته بودند که به مجال بیشتری برای فعالیت بیابند که حاصل آن نگارش آثار مختلف و یا رونق یافتن مدارس شیعی در این دوران است.

### سید حیدر علوی حسینی آملی

آقابزرگ شرح حال سید حیدر بن علی بن حیدر علوی حسینی آملی را به چند صورت مختلف آورده است، که مرحوم منزوی تمام این شرح حال ها را در هم آمیخته و مطالبی نیز از خود به آن افزوده است. آنچه مرحوم آقا بزرگ درباره سید حیدر آملی که جملگی در یک برگ و بدنبال هم نوشته، چنین است:

۱. «السید حیدر بن علی الحسینی الآملی الذی نسب الیه القاضي فی المجالس کتاب الکشکول فیما جرى علی آل الرسول المؤلف سنة ۷۳۵ وكذا الشيخ الحر فی الاثنی عشریة فی رد الصوفیة. يظهر من كتابه الكشکول انه كان من العلماء المتبحرين فی زمان تألیفه وكان مذاقه مبایناً عن مشرب الصوفیة لم يتكلم فی تمام كتابه بمصطلحاتهم ابداً بل ينتقد علیهم ویدمهم ومن هنا يظهر ان مؤلفه لیس هو السید حیدر بن علی العبیدلی الآملی الصوفی الشهیر صاحب التأویلات وتفسیر المحيط الاعظم وغيرها الذی كان معاصر شاه شجاع فرغ من بعض تصنیفاته سنة ۷۸۷ وكان غالباً فی التصوف وكتبه مشحونة عن مطالبهم العرفانیة».

۲. «افضل المتألهین السید حیدر بن علی العبیدلی الحسینی الآملی الصوفی الذی ترجمه القاضي فی المجالس وذكر انه تشرف الی زیارة ائمة العراق وادرك فخر المحققین بن العلامة الحلی والمولی نصیر الدین القاسانی وكتب رافعة الخلاف بامر فخر المحققین.

وله التأویلات الذی كتبه بعد تفاسیره الثلاثة وقال انه ناسخ بها القرآن الناسخ للتوراة والانجیل والزبور ونسبه الیه ایضاً كتاب الكشکول فیما جرى علی آل الرسول<sup>۱</sup> ولكن قال صاحب الریاض بانه یناقش فی كونه له بامور من مخالفة سیاق مع سیاق تصانیف الصوفی ومن ذكر فیہ لزمة الصوفیة ومن بعد این یكون الرجل فی غایة العلم والفضل ویؤلف كتاب الكشکول

۱ قاضی نور الله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۲۶.





سنة ۷۳۵ ثم بعد زمان طويل يصير من اواسط العلماء ويستفتى عن فخر المحققين ويستجيز منه. اقول: عدم كون الكشكول له هو الأظهر واما استفتائه عن فخر المحققين فانما هي على ما استظهره من اتحاد الصوفي مع السيد ركن الدين الآتي لكن المظنون تعددهما لعدم معلومية بقية نسب الصوفي ولا لقبه والا لكان يذكره في المجالس مع انه ذكر جملة من احواله وتصانيفه».

۳. «السيد ركن الدين حيدر بن تاج الدين علي بن فادشاه / تاجشاه - به نظر يادشاه قرائت مرجحتری باشد - بن ركن الدين حيدر العلوي الحسيني من تلاميذ فخر المحققين المجاز منه في سنة ۷۶۱ وصفه فيها بقوله:

السيد الامام العالم العامل المعظم المكرم افضل العلماء الجامع بين العلم والعمل، شرف آل الرسول مفخر اولاد البتول سيد العترة الطاهرة ركن الملة والحق والدين حيدر بن السيد السعيد تاج الدين علي الى آخر ما مرّ من الترجمة الحسيني ادام الله فضائله واسبغ فواضله وذكر انه اجازه رواية المهنائية عنه عن والده في التاريخ المذكور وصورة هذه الاجازة منقولة عن خط فخر المحققين موجودة في كتب الشيخ عبدالحسين الطهراني في آخر نسخة من المسائل المهنائية التي كتب بعدها جوابات فخر المحققين عن مسائل السيد حيدر، هذا ثم كتب صورة الاجازة عن خط المجيز وذكر الكاتب ان النسخة المنقولة عنها التي عليها الاجازة بخط فخر المحققين راها في الخزانة الرضوية وهذا السيد ترجمه في الرياض بعنوان: السيد حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآمي، الذي كتب بخطه جملة من المسائل الفقهية والكلامية وستلها عن فخر المحققين في الحلة في سنة ۷۵۹، فكتب فخر المحققين جواباتها واجازه روايتها عنه له قال في الرياض: رأيت المسائل مع الإجازة في آخر المسائل هكذا: «وأنا العبد الفقير حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآمي» وفي هامش الجواب هكذا:

«هذا صحيح قرأ عليّ اطال الله عمره ورزقنا بركته وشفاعته عند اجداده الطاهرين وأجزت له رواية الاجوبة عني وكتب محمد بن الحسن بن المطهر».

وكتبه بخطه استقصاء النظر في القضاء والقدر للعلامة، توجد الصفحة الاخيرة منه ضمن مجموعة عند التقوي عليها انها فخر المحققين بخطه.

واستظهر صاحب الرياض اتحاده مع السابق وهو العبيدلي المعروف بالصوفي المنسوب اليه الكشكول فيما جرى لآل الرسول الذي الفه سنة ٧٣٥، ومنها مختصر اصطلاحات الصوفية الذي الفه المولى عبدالرزاق الكاشاني المتوفى سنة ٧٣٠ وله جامع الاسرار الذي ذكر في اوله بعد كتابه منتخب التأويل ورسالة الاركان ورسالة الامامة ورسالة التنزيه.

ومن آثاره الباقية في الخزانة الغروية كتابه الموسوم بالمحيط الاعظم والبحر الخضم في تأويل كتاب الله العزيز المحكم بخطه الشريف فرغ منه في شهر رمضان سنة ٧٧٧ برسم خزانه جلال الدين الشاه شجاع ونسبه كما في مجمع الفصحاء هكذا:

الشاه شجاع بن مبارز الدين محمد بن الامير مظفر بن منصور بن پهلووان حاجي الخافي الخراساني عمّر ثلاث وخمسين سنة منها مدة سلطنته خمس وعشرين سنة ونقل من شعره قوله:  
 گر پرسدت کسی که علی را نظیر هست؟      با او بگو که آب نظیر گلاب نیست  
 در حضرت خدا بجز از ختم انبیاء      کس را مقام و منزلت بوتراب نیست

ومع المحيط رسالة في العلوم العالية له ايضاً بخطه الفها سنة ٧٨٧ وعلى النسخة وقفيتها ايضاً بخطه وايضاً خطه على نسخة غاية البادي في الشرح المبادي وانه باعه ... نظام الدين محمود في ٢٧ رجب من سنة ٧٦٦ وايضاً بخطه رسالة له مبسوطه في العلوم العالية مرتبة على مقدمة وعشرة انواع من الابحاث وفي آخر كل نوع دوائر في تشجير، لخص ما فصله وكتب بخطه على ظهره انه الفه سنة ٧٨٧ وهي منضمة بالمحيط الاعظم في الخزانة الغروية وله ايضاً جامع الاسرار او جامع الانوار او جامع الحقائق الكل واحد. أقول: لكن المظنون ان السيد ركن الدين الذي عبّر بعده المجاز لاختلاف النسب واللقب وعلى فرض الاتحاد فهو غير الصوفي العارف الذي لم يكن في مقام الاستفتاء عن فخر المحققين وعلى فرض الاتحاد فليس هو مؤلف الكشكول في سنة ٧٣٥ كما لا يخفى<sup>١</sup>.

١ در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ١٠٢٢ (مجموعه مرحوم سيد محمد مشكوة) نسخه اي مشتمل بر تعدادی رساله وجود دارد که جملگی توسط سيد حيدر آملی کتابت شده است. برای گزارشی از اين مجموعه بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سيد محمد مشكوة به کتابخانه دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ١٣٣٢ش)، ج ٣، بخش اول، ص ٤٣-٤٤، ١٨١-١٨٣، ١٨٨، ١٩٤، ٣٦٢-٣٦٣، ٤٣٨، ٥٣٢، ج ٥، ص ٢٠١٥-٢٠١٧.





## نکاتی تکمیلی در باب شرح حال سید حیدر آملی

کهن ترین نسخه کتاب الکشکول پیشتر در تملک مرحوم عبدالحمید مولوی بوده و پس از مرگ ایشان به کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه مشهد منتقل شده و اکنون به شماره ۵۶۸ در آن کتابخانه نگهداری می شود.<sup>۱</sup> نسخه اخیر توسط عبدالله بن حسین بن محمد نجار در شعبان ۷۶۲ کتابت شده است. اکنون دانسته است که مؤلف کتاب الکشکول عالمی به نام تاج الدین عبدالله بن معمار است.<sup>۲</sup> از ابن معمار دو اثر دیگر نیز در دست است، نخست در ضمن همان مجموعه ۵۶۸ دانشکده الهیات مشهد که رساله ای از عبدالله بن معمار مشتمل بر صورت مناظره او با ابن تیمیه به سال ۷۱۷ در زمانی که ابن تیمیه در اسکندریه زندانی بوده، آمده است.<sup>۳</sup> اثر دیگر ابن معمار کتاب با عنوان مسبار الشیعة است که به عربی است و ابن معمار در هنگام سفر به اصفهان به سال ۷۰۷ تألیف کرده است. اندکی پس از تألیف رساله مسبار الشیعة، قاضی نظام الدین محمد بن اسحاق اصفهانی آن را با عنوان مسمار العقیده به فارسی ترجمه کرده است. رساله مسمار العقیده توسط استادان بزرگوار علی صدرایی خویی و محمود طیار مراغی در ضمن میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان (قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، ۱۳۷۴ش)، ص ۷۷۳-۸۶۶ بر اساس تنها نسخه شناخته شده آن در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (۳۰۰۸/۱۰) منتشر شده است.<sup>۴</sup>

کتابی به نام المعتمد من المنقول فیما أوحی الی الرسول (ص) تألیف حیدر بن علی بن حیدر قمی معروف بفاشی در کتابخانه کوپرلی در ضمن وقفیات فاضل احمد پاشا به شماره ۲۱۳ موجود است که بر اساس اجازه آمده از مؤلف در آخر آن به تاریخ ۷۱۹ باید پیش از این تاریخ تألیف شده باشد. اثر اخیر به خطا به سید حیدر آملی نسبت داده شده است.<sup>۵</sup>

۱ برای نسخه های کتاب الکشکول در کتابخانه های ایران بنگرید به: فنخا، ج ۲۶، ص ۴۳۸-۴۴۰.  
 ۲ (برای شرح حال کوتاه او بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۵۴؛ علی صدرایی خویی، «ابن معمار بغدادی و کتاب الکشکول الی ما جرى علی آل الرسول»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره ۵ (پاییز ۱۳۸۸ش)، ص ۴۱۲-۴۱۶.  
 ۳ بنگرید به: محمود فاضل، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۵ش/۱۳۹۶)، ج ۱، ص ۳۷۹.  
 ۴ بنگرید به: فنخا، ج ۲۹، ص ۴۷۰.  
 ۵ بنگرید به: حسین متقی، «سید حیدر آملی و تشکیک در انتصاب یک اثر به نام او»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال

## سلسله نسبت و شهرت های مختلف سید حیدر آملی

آقابزرگ بر اساس شجره نسبی که در المحيط الأعظم دیده، این عنوان را ذکر کرده است. سید حیدر سلسله نسب خود را چنین آورده است:

«فأنا ركن الدين حيدر بن السيد تاج الدين علي پادشاه بن السيد ركن الدين حيدر بن السيد تاج الدين علي پادشاه بن السيد محمد امير بن علي پادشاه بن ابي جعفر محمد بن زيد بن أبي جعفر محمد بن الداعي بن أبي جعفر محمد بن إبراهيم بن محمد بن الحسين الكوسج بن إبراهيم سناء الله بن محمد الحرون بن حمزة بن عبید الله الأعرج بن الحسين الأصغر بن علي بن الحسين زين العابدين بن الحسين الشهيد بن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام»<sup>۱</sup>

علت شهرت او به عیبدلی به واسطه جدش عبیدالله اعرج است. اکنون به واسطه چاپ آثار مختلف سید حیدر آملی می دانیم که اشارات آمده در چند شرح حال در واقع اشاره به یک تن است. نکته ای که درباره گرایش سید حیدر آملی به تصوف مورد توجه قرار نگرفته، تأثیر پذیری او از سعد الدین حمویه است که در سالهای جوانی سید حیدر، در آمل خانقاهی داشته و منشأ بسیاری از افکار و حتی شکل نگارش سید حیدر در ارایه مطالب متأثر از سنت فکری سعد الدین حمویه است. سید حیدر در تفسیر المحيط الاعظم (ج ۱، ص ۵۲۰-۵۲۴) طرق خود در اسناد به تصوف را به تفصیل آورده و اشاراتی نیز به احوال روحی خود کرده است (تفسیر المحيط الاعظم، ج ۱، ص ۵۲۹-۵۳۲، ۵۳۴-۵۳۵) و از اجازات متعددی که از فخر المحققین دریافت کرده، سخن گفته و متن اجازه ای را که آقابزرگ بندی از آن را در شرح حال سید رکن الدین حیدر آورده، به طور کامل نقل کرده است.<sup>۲</sup>

## برخی آثار کتابت شده توسط سید حیدر آملی

مجموعه از آثار سید حیدر آملی که آقابزرگ در شرح حال او به آن اشاره کرده زمانی در تملک مرحوم سید نصر الله تقوی بوده اکنون به شماره ۴۹۵۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

اول، شماره ۳ (بهار ۱۳۸۸ش)، ص ۱۰۱-۱۰۸.

۱ بنگرید به: سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، تحقیق سید محسن موسوی تبریزی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش/۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۵۲۷.

۲ بنگرید به: تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۵۳۲-۵۳۴.





نگه داری می شود. همانگونه که مرحوم آقابزرگ اشاره کرده، تنها برگ پایانی کتاب استقصاء النظر فی بحث عن القضاء و القدر به خط سید حیدر آملی است و انهاء فخر المحققین نیز در کنار آن موجود است. تصویر برگ اخیر در فهرست کتابخانه مجلس آمده است.<sup>۱</sup> در انجامه استقصاء النظر، سید حیدر آملی نوشته است:

«.. حرره العبد الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمة ربه القدير حیدر بن علي بن حیدر العلوي الحسيني الآملي اصلح الله حاله».

شهرت العلوی او به خطا توسط مرحوم احمد منزوی «العاملی» خوانده شده و همین خطا به فنخانیز در ضمن معرفی نسخه اخیر راه یافته است. در کتابخانه ملک به شماره ۵۹۸ نسخه ای از کتاب نقد النقود فی معرفة الوجود، تألیف خود سید حیدر آملی، موجود است که به خط سید حیدر آملی است. تاریخ فراغت از تألیف نسخه پانزدهم جمادی الثانی ۷۶۸ ذکر شده و مکان کتابت نیز نجف ذکر شده است. نسخه پیشتر در تملک فخر الدین نصیری بوده و آقابزرگ (الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۸۰) گزارشی از این نسخه بر اساس تصویری از آن که در اختیار استاد ارجمند سید محمد حسین جلالی بوده، ارایه کرده است. انجامه نسخه اخیر چنین است:

«واتفق الفراغ من تسويد هذه الاوراق وتبيض هذه الكتاب بعون الله وحسن توفيقه خامس عشر جمادي الآخرة ثمان وستين وسبعمائة على يد مؤلفها ومنشئها العبد الفقير الى الله الغني الغريق في مجور الآثام المتمسك بولاء اجداده اهل البيت عليهم السلام، اضعف عباد الله تعالى جرماً واقواهم جرماً حیدر بن علي بن حیدر العلوي الحسيني الآملي اصلح الله حاله بالمشهد الشريف الغروي سلام الله على مشرفه حامداً لله ومستغفرا اليه ومصلياً على نبي صلي الله عليه وآله الطيبين الطاهرين».<sup>۲</sup>

۱ برای گزارشی از مجموعه ۴۹۵۳ بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۴۷ش)، ج ۱۴، ص ۲۲۴-۲۳۱، ۴۳۵ (تصویر انجامه استقصاء النظر).

۲ برای گزارشی از نسخه اخیر بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱، ص ۷۷۵. از کتاب نقد النقود نسخه دیگری به شماره ۱۷۶۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که آن نیز به خط سید حیدر آملی است و تاریخ فراغت از کتابت آن نیز همان پانزدهم جمادی الآخرة ۷۶۸ است و مکان کتابت نیز نجف (المشهد الغروی) است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص

در باره کتابخانه سید حیدر آملی نیز باید گفت که از نسخه هایی که او در کتابخانه خود داشته، نسخه ای از شرح فصول الحکم مؤید الدین محمد بن محمود بن صاعد خاتمی در کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام شهر اردکان به شماره ۳۴۹ موجود است که سید حیدر آملی آن را در بغداد به سال ۷۷۶ خریداری کرده و در صفحه عنوان نسخه در اشاره به این مطلب نوشته است:

«هذا شرح فصوص الحکم في فصوص الکلم الصادر من انفاش الشيخ الکامل المکمل قطب العارفين، برهان الموحدين، زبدة العلماء الراسخين، افضل المتقدمين والمتأخرين مؤيد الحق والملوک محمد بن محمود بن صاعد بن محمد بن محمود بن محمد بن سليمان المشهور بالجندی قدس الله روحه العزيز وهو في نوبة العبد الفقير الى الله الغني حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الأملي اصلح الله شأنه ودخل في تملكه ببغداد بالبيع الصحيح الشرعي سنة ست وسبعين وسبعمائة وفقه الله تعالى لفهمه وادارته والعناية به ... بمحمد وآله»<sup>۱</sup>.

### محمد بن ابوطالب بدری؛ کاتب گمنام امامی کتاب الاغانی

از جمله ادیبان امامی مذهب قرن هفتم که اطلاع خاصی در باب او در دست نیست، شخصی است به نام محمد بن ابوطالب بدری که میان سالهای ۶۱۴ تا ۶۱۶ یک دوره بیست جلدی از کتاب الاغانی ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی (متوفی ۳۵۶) را کتابت کرده است. دوره

۲۹۵. مکان کتابت نسخه ۱۷۶۴ دانشگاه تهران به خطا طوس ذکر شده و همین خطا به فنخا رج ۳۳، ص ۶۷۸- (۶۷۹) در معرفی نسخه های نقد النقود راه یافته است.

۱ برای تصویر صفحه عنوان نسخه که تملکات دیگری نیز بر آن موجود است، بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام (اردکان- ایران) (قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ش/۱۴۲۶)، دفتر دوم، ص ۸۴. در کتابخانه ملی نسخه ای کهن از نهج البلاغه که محمد بن ابوالقاسم بن موسی بن خلیل در نیمه ماه رمضان ۵۲۱ از کتابت آن فراغت حاصل کرده، موجود است که حواشی و توضیحاتی توسط سید حیدر آملی بر آن است. در برگی از این نسخه که ظاهراً از برگ های پایانی نسخه و از جمله مطالبی باشد که سید حیدر به نسخه خود افزوده، بحثی توسط سید حیدر با عنوان «باب الاعتقاد فی القضاء و القدر» آمده و سید حیدر مطالبی در ذیل آن نوشته و تاریخ فراغت از نگارش مطلب را غره جمادی الاول ۷۵۸ نوشته است. البته تاریخ به وضوح خوانا نیست (حرره العبد الفقیر الحقیر المحتاج الی غفران الصمد البصیر حیدر بن علی العلوي الحسيني الأملي اصلح الله في الدارين حاله .. غره جمادی الاول ۷۵۸). بنگرید به: سید عماد الدین خاتمی و غلامرضا امیر خانی، کتابخانه ملی ایران (تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۶ش)، ص ۵۴-۵۵ که هر دو تصویر یکی است.





کامل کتابت شده توسط بدری، به جز چند مجلد در اختیار ما نیست. در کتابخانه دار الکتب المصریة چهار مجلد از کتاب یعنی جزء دوم، جزء چهارم، جزء یازدهم و سیزدهم موجود است که جملگی تحت شماره ۵۷۹ نسخه های ادبی در آن کتابخانه موجود است.

نسخه اخیر در میان نسخه های موجود از کتاب الاغانی دارای ویژگی خاصی است و آن مصور بودن آن است. به گفته ایمن فؤاد سید نسخه اخیر تنها نسخه تصویر دار از کتاب الاغانی است که نشانگر آن است که کتاب به جهت فردی برجسته و متمول و به احتمال بسیار امیری کتابت شده باشد. حدس زده شده که بدری در موصل اقامت داشته و کتاب را برای امیر موصل بدرالدین لؤلؤ که میان سالهای ۶۰۷ تا ۶۵۸ امارت موصل را در اختیار داشته، کتابت کرده است. این حدس بر اساس این مطلب است که در بالای تصویر امیری که در نسخه موجود است، نام بدرالدین لؤلؤ نوشته شده است، هر چند در خصوص این مطلب میان کسانی که نسخه های کتابت شده بدری را بررسی کرده اند، اختلاف نظر وجود دارد.

دو مجلد دیگر از نسخه کتابت شده توسط بدری یعنی مجلدات هفدهم و نوزدهم در کتابخانه فیض الله افندی استانبول به شماره های ۱۵۶۵ و ۱۵۶۶ و مجلد بیستم نیز به شماره ۱۶۸ نسخه های عربی در کتابخانه سلطنتی شهر کونپهاگ دانمارک موجود است.<sup>۱</sup> این مطلب که نسخه اساس کتابت بدری در بیست جلد بوده، بر اساس اطلاع آمده در انجامه جزء دوم است. بدری در انجامه جزء دوم چنین نوشته است:

«هذا آخر الجزء الثاني من أجزاء عشرين ويتلوه في الجزء الثالث إن شاء الله تعالى أخبرني الحسن قال حدثنا أحمد بن محمد قال حدثني قدامة بن نوح قال قال بشار يحشو شعره والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد نبيه وآله الطاهرين».

آنچه که دلالت بر تشیع بدری دارد، عبارت آمده در انجامه جزء چهارم کتاب که در یاد کرد از امیر المؤمنین علیه السلام از او با تعبیر «وصی» یاد کرده است. او در انجامه جلد چهارم چنین نوشته است:

۱ ثروت عکاشة در کتاب موسوعة التصوير الإسلامي (بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۹)، ص ۸۲-۸۴ از حیث اهمیت تصویر گری کتاب به نسخه های کتابت شده اغانی توسط محمد بن ابوطالب بدری پرداخته و در بخش «لوحات الباب الثاني السوداء والبيضاء: التصوير العربي»، تصاویری از نسخه ها (شماره های ۵۹ تا ۶۲) آورده است.



«آخر الجزء الرابع من أجزاء عشرين جزءاً يتلوه في المجلدة الخامسة إن شاء الله تعالى أخبار إسحق بن إبراهيم والحمد لله وحده وصلواته على سيدنا محمد نبيه وآله الطاهرين وسلامه. كتبه وما قبله من الأجزاء العبد الفقير إلى رحمة الله تعالى محمد بن أبي طالب البدري حامداً لله تعالى على نعمه مُصلياً على سيدنا محمد نبيه وعلى وصيه وآلهما الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً».

ایمن فؤاد سید به درستی به اهمیت تعبیر وصی که دلالت بر تشیع کاتب دارد، اشاره کرده و گفته که تعبیر اخیر در اجزاء موجود تنها بار دیگر در جزء یازدهم تکرار شده است. انجامه های دیگر مجلدات کتاب به ترتیب چنین است:

«هذا آخر الجزء السادس ويتلوه في السابع إن شاء الله نسب جرير وأخباره جرير بن عطية بن الخطفي واسمه حذيفة بن بدر بن سلمة بن عوف والحمد لله وحده وصلواته على سيدنا محمد نبيه وآله الطاهرين. كتبه محمد بن أبي طالب البدري حامداً لله تعالى على نعمه مصلياً على سيدنا محمد نبيه وآله الطاهرين وسلامه»؛

«آخر الجزء الثامن من كتاب الأغاني الكبير يتلوه في المجلد التاسع إن شاء الله تعالى ... والحمد لله كما هو أهله وصلواته على نبيه محمد وآله الطاهرين وسلامه وحسبنا الله ونعم الوكيل».

در انجامه جزء یازدهم تصریحی به شروع کتابت نسخه نیز آمده است:

«آخر الجزء الحادي عشر من الأغاني ويتلوه إن شاء الله تعالى في الثاني عشر نسب العتابي وأخباره هو كثوم بن عمرو بن أيوب بن عبيد بن حنيس بن أوس بن مسعود بن عبد الله بن عمرو بن كثوم الشاعر والحمد لله حق حمده وصلواته على سيدنا محمد نبيه وعلى وصيه وآلهما الطاهرين وسلامه».

کتبه وما قبله من الأجزاء محمد بن أبي طالب البدري حامداً لله تعالى على نعمه مُصلياً على محمد نبيه وآله الطاهرين وذلك في شهور سنة أربع عشرة وستمائة».

انجامه های دیگر مجلدات یعنی مجلدات هفدهم و نوزدهم کتابخانه فیض الله افندی از میان رفته و تنها بخشى از انجامه جلد هفدهم (تمّ الجزء السابع عشر من كتاب الأغاني ويتلوه إن شاء الله تعالى في الجزء الثامن عشر منه أخبار أبي نواس وجنان خاصة إذ كانت أخباره قد أفردت متقدماً) و انجامه جلد نوزدهم (آخر الجزء التاسع عشر من الأغاني الكبير الجامع ويتلوه



في العشرين إن شاء الله تعالى) باقی مانده است. انجامه جزء بیستم به نحو کامل باقی مانده و چنین است:

«هذا آخر كتاب الأغاني الكبير الجامع من تصنيف أبي الفرج علي بن الحسين بن محمد الأصبهاني رحمه الله. ووقع الفراغ من انتساخه في شهر رمضان عظم الله بركته على المسلمين من شهور سنة ست عشرة وستمائة. وكتبه بحمد الله وشكره ويستغفر الله من جميع ما جرى به قلمه مما لا يرضاه إنه كريم عظيم المغفرة والرحمة.

الحمد لله رب العالمين كما هو أهله وصلواته على نبيه محمد وآله الطاهرين وسلامه وحسبي الله وحده إنه نعم المعين والنصير. كتبه العبد الفقير إلى رحمة ربه محمد بن أبي طالب البدری حامداً لله على نعمه مصلياً على سيدنا محمد نبيه وآله الطاهرين مسلماً»<sup>۱</sup>.

### شاگردان علامه حلی و نقش آنها در روایت و کتابت آثارش

برخی از آثار علامه حلی که در چندین جلد بوده، توسط شاگردان او و فرزندش کتابت شده که تنها در برخی از مجلدات آنها نام کاتب آمده و برای شناسایی اجزاء دیگر که نام کاتب در آنها نیامده، می باید به نوع خط و مقایسه آنها با دست های شناخته شده از شاگردان علامه و فخر المحققین توجه کرد. نام دو تن دیگر از عالمان امامی قرن هشتم که یک دوره از کتاب مختلف الشیعة کتابت کرده اند، به نام های وشاح بن محمد بن عتیبه و علی بن محمد بن حسین مزیدی دانسته است.

### وشاح بن محمد بن حسن بن عتیبه از شاگردان علامه حلی

از نسخه کتاب مختلف الشیعة به کتابت وشاح بن محمد بن عتیبه، مجلدات چندی موجود است که عبارتند از: جلد دوم در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۵۴۵ مشتمل بر کتاب

۱ تملک های مختلفی از عالمان اهل سنت چون حسن عطار که میان سالهای ۱۲۴۶ تا ۱۲۵۰ شیخ الازهر بوده، بر مجلدات موجود در دارالکتب المصریه آمده است. نسخه های موجود در فیض الله افندی نیز از نسخه های کتابخانه ابوبکر بن رستم بن احمد شروانی بوده است. برای گزارشی از تملکات اخیر بنگرید به: ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی، کتاب الأغانی (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا)، ج ۱، ص ۴۹-۵۳ که مصححان مصری کتاب الاغانی از نسخه دار الکتب المصریه مشتمل بر چهار جزء در تصحیح خود استفاده کرده و توضیحاتی درباره آن و تملکات موجود بر آن آورده اند؛ ایمن فؤاد سید، «مجلدان جدیدان من نسخة کتاب الاغانی المصورة»، حولیات اسلامیة (Annales Islamologique)، ۴۰ (۲۰۰۶)، ص ۱۵۶-۱۶۷.





الزكاة تا پایان کتاب الحج با تاریخ فراغت از کتابت ۲۷ ذی الحجة ۷۲۱؛ جلد سوم در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۵۶۳ که نام کاتب وشاح بن محمد بن حسن بن عیینه آمده و تاریخ فراغت از کتابت نسخه ششم شوال ۷۲۴ ذکر شده؛ جلد چهارم در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۴۴۳۴ مشتمل بر احکام و دیعه تا پایان کتاب الطلاق با تاریخ فراغت از کتابت جمعه دوم رجب ۷۲۰ که با نسخه اصل مؤلف در روز یکشنبه ۲۶ جمادی الثانی ۷۳۳ مقابله شده؛ مجلدی دیگر از جلد چهارم در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۵۶۴ با تاریخ فراغت از کتابت ۱۵ ربیع الثانی ۷۲۷.<sup>۱</sup>

تاریخ های اخیر دلالت بر این دارد که وشاح بن محمد بن عتیبه دست کم دو بار کتاب مختلف الشیعة را کتابت کرده است. وشاح بن محمد بن عتیبه همچنین دوره ای از کتاب تحریر الاحکام الشرعية علامه را کتابت کرده که جزء سوم آن به شماره ۸۵۱۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. تاریخ فراغت از کتابت جزء اخیر، ۲ جمادی الاولى ۷۱۹ ذکر شده و عبارت انجامة آن چنین است:

«..تمّ الجزء الثالث من کتاب التحرير ویتلوه في الرابع بعون الله تعالى ومنه کتاب الميراث علی يد العبد الفقير الى الله تعالى وشاح بن محمد بن عتیبه حامداً مصلياً مستغفراً في ثاني جمادي الاولى سنة تسع عشرة وسبعمائة وصلی الله علی سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين».<sup>۲</sup>

افندی اطلاع جالبی درباره دوره ای از کتاب مختلف الشیعة که وشاح کتابت کرده، آورده است. دانسته است که کتابخانه شهید ثانی در عصر شیخ علی کبیر به ایران منتقل شد و در اصفهان بوده است. افندی در میان کتابهای شهید ثانی تصریح کرده که کتاب مختلف الشیعة را به کتابت و خط وشاح بن محمد بن حسن بن عتیبه دیده و در ذیل شرح حال وشاح بن محمد نوشته است:

«..الظاهر أنه كان من العلماء كما يلوح من بعض المواضع، وقد رأيت في جملة كتب الشهيد الثاني، كتاب مختلف العلامة بخط وشاح هذا وكان تاريخ كتابتها سنة ثمان عشر وسبعمائة وتاريخ تأليف المختلف سنة ثمان وسبعمائة...».<sup>۳</sup>

۱ افندی (ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۸۶) نیز در میان کتابهای کتابخانه شهید ثانی، یک دوره کتاب مختلف الشیعه را دیده که وشاح بن محمد بن حسن بن عتیبه کتابت کرده و تاریخ کتابت آن را ۷۱۸ ذکر کرده است.

۲ همچنین برای گزارش از مجلدات مختلف الشیعة به کتابت وشاح بن محمد بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الحقائق الراهنة، ص ۲۳۳-۲۳۴؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، مکتبة العلامة الحلی، ص ۱۷۵-۱۷۶

۳ افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۸۶.



اطلاع دیگر درباره وشاح بن محمد بن عتیبه کتابت نسخه ای از کتاب کشف الخفاء من کتاب الشفاء علامه حلی است. کتاب کشف الخفاء شرح مبسوطی بر کتاب الشفاء ابن سینا (متوفی ۴۲۷) است که نسخه کتابت شده آن توسط وشاح بن محمد در کتابخانه چستریتی به شماره ۲۶۰۳ موجود است. وشاح از کتابت جزء دوم نسخه در آخر رجب ۷۲۹ فراغت حاصل کرده و در انجامه چنین نوشته است:

«تمَّ الجزء الثاني من کتاب کشف الخفاء من کتاب الشفاء بعون الله تعالى ویتلوه في الثالث بتوفيق الله تعالى الفصل السادس ... في سلخ رجب المبارك من سنة تسع وعشرين وسبع مائة الهلالية وفرغ منه مصنفه رحمه الله في تاسع شهر ربيع الآخر سنة سبع عشرة وسبعمائة والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد والنبي وآله الطاهرين».

نسخه در شیراز بوده و بعدها در تملک فردی به نام عثمان طالعی یافعی قرار گرفته است (من فضل الله عليّ افقر خلقه واحوجه الى رزقه الفقير عثمان الطالعي اليافعي غفر الله له ولوالديه ولجميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والحمد لله وحده).<sup>۱</sup>

از دیگر آثار کتابت شده توسط وشاح بن محمد باید به دوره ای از کتاب روضة الطالبین و عمدة المفتین نووی اشاره کرد که بخشی از آن مشتمل بر جلد دوم کتاب، به شماره ۲۴۲۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. تاریخ فراغت از کتابت، شنبه سوم صفر ۷۲۲ ذکر شده و نسخه از جمله وقفیات ابن خاتون عاملی است.<sup>۲</sup>

### علی بن محمد بن حسین مزیدی و کتابت آثار علامه حلی

از دوره مختلف الشیعه که علی بن محمد بن حسین مزیدی کتابت کرده، بخشی از آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۶۶۹۹ مشتمل بر جلد سوم و چهارم (از میانه حج تا آخر نکاح) موجود است. تاریخ فراغت از کتابت محرم ۷۵۶ - در پایان جزء سوم - و ۱۵ صفر ۷۵۹ در پایان جزء چهارم و بلاغ مقابله در ۷۶۳ را دارد. بخش دیگر کتاب مختلف الشیعه که مزیدی کتابت کرده به شماره ۷۹۲۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. تاریخ

۱ در صفحه آخر نسخه تاریخ دامادی فردی به نام محمود بن محمود و تاریخ مرگ محمود بن زکی بن محمد بن سلیمان به تاریخ ۱۰ جمادی الاول ۷۳۸ به فارسی آمده است. تصویری از این نسخه به شماره ۱۳۲۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. برای گزارشی از نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۲/ش/۱۴۲۴)، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲ در فهرست آستان قدس رضوی (ج ۲۱، بخش اول، ص ۷۴۰) نام جد وشاح یعنی عتیبه به خطا عینیه آمده است.

فراغت از کتابت جزء اخیر روز دوشنبه شانزدهم ربیع الاول ۷۰۱ است و نسخه مشتمل بر مجلد اول است.

شهرت مزیدی گاه در فهرست نسخه های خطی به مرندی یا مزینی تصحیف می شود، در فهرست آستان قدس نیز به صورت مزینی آمده است. شهید اول از تاریخ درگذشت فردی به نام علی بن مزیدی که او را در حله نیز دیده، یاد کرده و نوشته است: «وتوفی الشیخ رضی الدین علی بن المزیدي غروب عرفة سنة سبع وخمسين وسبعمائة ودفن بالغری» (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۵).

که باتوجه به تاریخ نسخه های کتابت شده توسط علی بن منصور بن حسین مزیدی، فرد مورد اشاره شهید اول، کسی جز اوست. از جمله دیگر شاگردان برجسته علامه حلی که برخی از آثار استادش را کتابت کرده و بخش هایی از آنها باقی مانده، می باید به زین الدین ابوالحسن علی بن احمد بن طراد مطارآبادی (متوفی روز جمعه، اول رجب ۷۶۲) اشاره کرد. وی یک دوره از کتاب تحریر الاحکام علامه حلی را کتابت کرده بخش هایی از آن به شماره ۷۰۲۲ در کتابخانه مجلس و بخشی دیگر به شماره ۲۶۱۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است.<sup>۱</sup>

### تعبیر الرویا منسوب به ابن سیرین

در میان کتابهای نوشته شده در باب تعبیر رویا، بی گمان کتاب نامیده شده به منتخب الکلام فی تعبیر المنام که به محمد بن سیرین (متوفی ۱۱۰) نسبت داده می شود، اثر بسیار مشهوری است. کتاب اخیر بارها منتشر شده و گاه در حاشیه آثار دیگری در باب تعبیر خواب، چون کتاب تعطیر المنام فی تعبیر المنام نابلسی نیز می توان متن آن را یافت. نسخه های خطی متعددی از این کتاب موجود است که کهنترین آنها، نسخه کتابخانه ملی پاریس، نسخه های عربی شماره ۲۷۴۹، برگ های ۱-۱۶۱ است که در ۸۱۹ یعنی اوایل قرن نهم کتابت شده است. در نسخه اخیر کتاب به شخصی به نام حسین بن حسن بن ابراهیم خلیلی داری نسبت داده شده است و عنوان کتاب نیز با کمی تفاوت المنتخب فی تعبیر الرویا ذکر شده است. از دیگر نکات با اهمیت نسخه اخیر، وجود مقدمه ای است که در آن نویسنده از منابع مورد استفاده خود در نگارش کتاب نیز سخن گفته است. مقدمه مورد بحث چنین است:

۱ بنگرید به: فنخا، ج ۷، ص ۱۰۹.

«قال الشيخ ابو علي الحسين بن الحسن بن ابراهيم الخليلي الداري رحمه الله تعالى - اما بعد فإن علم تعبير الرؤيا من اجلّ العلوم نفعاً واعظماً وقعاً لعموم الحاجة اليها وتعويل اكثر الناس عليها وقد جاء في الآثار المنقولة الحثّ على معرفته وما زال الانبياء والعلماء على ممر الزمان وتكرير الاعصار يعانون هذا العلم ويأمرون به ويحبرون ان الله تعالى جعل الرؤيا مبشرة ومحذرة في معرفة الرائي بذلك معرفة امر دينه ودنياه. ولما رأيت ذلك كذلك احببت ان اجمع فيه كتاباً صحيح المباني كثير المعاني ولم اجد ما يفي بهذا الغرض الا ان اعتمد فيما اضمنه اياه على كتب العلماء الراسخين في هذا العلم وكان من احذقهم فيه واعلمهم به ابراهيم بن عبدالله الكرمانى وابوالحسن علي بن ابي طالب القيرواني وابو محمد عبدالله بن مسلم القتيبي ومن متاخرهم مؤلف كتاب القادري وابو سعد الواعظ، فلخصت هذا الكتاب من كتب هؤلاء ثم اجتهدت في الجمع بين اقاويلهم وكان غرضي في جمع مراجعتي اياه عند دعاء حاجتي اليه ولم اقصد بجمعه اذا دخل في جملة المصنفين بل قصدت به ان اتناول منه الموثوق في تلك الكتب المذكورة وما استحسنته منها مما اجتمعوا عليه واختلفوا فيه والله تعالى يرزقنا النفع به وسائر المسلمين بمنه ورحمته وسميته المنتخب وترجمة ابوابه تسعة وخمسون باباً»<sup>۱</sup>

متاسفانه درباره ابوعلى حسين بن حسن دارى اطلاعى خاصى نيافتم، اما اين مقدمه کوتاه از دو جهت اهميت دارد. نخست اشاره مؤلف به مؤلفان متاخري که در باب تعبير رويا کتابى نوشته اند، زمان تقريبي نگارش کتاب را نشان مى دهد؛ مؤلف کتاب القادري ابوسعيد نصر بن يعقوب بن ابراهيم بغدادى دينورى است، که کتاب خود را به سال ۳۹۷ به نام خليفه عباسى القادر بالله نوشته است و نسخه هاى خطى متعددى از کتاب او موجود است، از جمله لاله لى ۱۶۵۸، آياصوفيا ۲۰۰۶، ينى جامع ۶۹۹، اسعد افندى ۱۸۶۶ و فاتح ۳۶۵۳. فرد ديگر ابوسعيد واعظ خرگوشى نيشابورى (متوفى ۴۰۷) است که کتاب بسيار مشهورش البشارة و النذارة فى تعبير الرويا اثر بسيار متداول و پرنسخه اى است (که مى توان به طوپقايى سرا A۳۱۷۵، A۳۱۷۶؛ آيا صوفيا ۱۶۸۸ و بشر آغا ۳۴۸ اشاره کرد). مطلب ديگر اشاره نويسنده به اين مطلب است که نوشته او بر اساس کتاب خرگوشى و ابوسعيد بغدادى است و در کتابش به قصد گردآورى مطالب خصوصاً دو نويسنده اخير را مورد توجه قرار داده و مطالب آنها را نقل کرده است.

۱ مطلب اخير درباره کتاب تعبير الرؤيا برگرفته از مقاله زير است:

John C. Lamoreaux, "Some Notes on The Dream Manual of al-DĀrĪ", Rivista Degli Studi Orientali, vol.LXX, Fasc.1996) 2-1), pp.52-47.